

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰)

سعید غیائی ندوشن<sup>۱</sup>

ابراهیم خلیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

«استقلال دانشگاه» سنگ بنای نظام دانشگاهی محسوب شده و بدین معنا است که دانشگاه‌ها در تعیین اهداف و اولویت‌های خود و اجرای آن‌ها آزاد گذاشته شوند. استقلال دانشگاه به طور چشمگیری به چشم‌انداز کلی دانشگاه و میزان دخالت سیاست وابسته است. با وجود این که تأمین استقلال دانشگاه‌ها در آموزش عالی، نسبی بوده و به طور کامل و در هیچ دانشگاهی تحقق نیافته است اما این مفهوم در دوران حیات خود، همواره با دو مشکل اساسی مواجه بوده است؛ ابتدا درک نادرست از ابعاد و شاخص‌ها و سپس موانع متفاوت پیش‌روی آن به ویژه متأثر از دخالت‌های دولتی. بدین ترتیب، این پژوهش با هدف تبیین ابعاد مختلف استقلال دانشگاه و نقش دولت در ایجاد موانع تحقق آن و بر اساس روش ساختارگرایی رویکرد کیفی، شکل گرفته و از تحلیل اسنادی به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات بهره گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد صاحب‌نظران بر روی چهار بُعد استقلال سازمانی، مالی، علمی و

۱. استادیار برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

(ghiasi.saeed@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه علامه طباطبائی (khalil.eb59@yahoo.com)

استخدامی به عنوان ابعاد اصلی استقلال دانشگاه، بیشترین اشتراک نظر را داشته و فرآیندهای سیاسی کشورها، حاکمیت تفکر سیاسی، سیستم متمرکز تصمیم-گیری دولتی، محدودیت‌های مالی و استخدامی، تعصبات خاص جناحی یا حزبی از مهمترین موانع در مسیر تحقق استقلال دانشگاه بوده که در بروز تمامی این موارد، دولت‌ها نقش اساسی را ایفا می‌نمایند.

واژگان کلیدی: استقلال دانشگاه، دولت، استقلال سازمانی، استقلال مالی، استقلال علمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

امروزه نظام‌های آموزش عالی، نقش محوری در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع دارند. بدین ترتیب افزایش کیفیت آموزش و اثربخشی نظام‌های آموزش عالی اهمیت ویژه‌ای داشته و یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به این مهم، بهره‌مندی نظام‌های آموزش عالی از مقوله‌ای به نام استقلال است. ماهیت و سرشت دانش که رهایی بخشی، نقادی و نوآوری است، آزادی و خودمختاری نهادهای علمی را طلب می‌کند. اعطای استقلال به دانشگاه‌ها، سیاستی اصولی برای افزایش مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و ایجاد ثبات است. اما پاسداری از استقلال واقعی دانشگاه و تبدیل نکردن آن به سازمانی متمرکز به آسانی صورت نمی‌گیرد. از یک سو دانشگاه‌ها و جامعه علمی بر استقلال خود پافشاری می‌کنند و از سوی دیگر به علت مشکلات اقتصادی و ساختار متمرکز، نیاز دانشگاه‌ها به کمک‌های مالی دولت هر روز بیشتر می‌شود. (آراسته، ۱۳۸۲: ۹۵) استقلال دانشگاه‌ها، موضوع مهم و جذابی است که مانند بسیاری از مفاهیم دیگر که ریشه‌هایی عقلایی و واقعی دارند گاهی مورد تهاجم و مصادره قرار گرفته است. (همدانی‌گلشن، ۱۳۹۲: ۲) این پژوهش سعی دارد با برشمردن دقیق و صحیح ابعاد و موانع استقلال دانشگاه، ضمن کمک به اندوخته‌های مسئولین و صاحب‌نظران، به اجرایی شدن این هدف متعالی در آموزش عالی کمک نماید.

## ۲. بیان مسئله

مفهوم استقلال دانشگاه<sup>۱</sup> پیشینه تاریخی نسبتاً طولانی دارد و اساس شکل‌گیری

دانشگاه‌ها، خاستگاه غیردولتی داشته است. دانشگاه به دلیل خصیصه التزام به حقیقت، نوآوری، نقادی و پرسشگری خود، منبع قدرت و یک نهاد مرجع بوده و به دلیل ویژگی‌های حرفه‌ای و تخصصی‌اش از استقلال عمل در قلمروهای علمی برخوردار است. استقلال دانشگاه به مفهوم حق خودگردانی در طول ده‌های گذشته روند پر فراز و نشیب و رو به‌رشدی داشته است (ذاکرسالحی، ۱۳۹۲: ۲۴).

در بسیاری از حکومت‌ها، دانشگاه‌ها و انجمن اروپا، افزایش دادن استقلال به دانشگاه که نشان دهنده یک گام مهم به سوی مدرنیته شدن آموزش عالی در قرن ۲۱ است به رسمیت شناخته شده است. با این حال، دولت‌ها به شیوه‌های مختلف در امور دانشگاه‌ها دخالت می‌کنند. یک شیوه رایج عبارت است از استفاده از اختیار قانونی خود. شیوه دیگر که بیشتر در اروپا و آمریکا رایج است از اقتدار مالی خود و وابستگی مالی دانشگاه‌ها به آن‌هاست. شیوه دیگر که دخالت صریح است بیشتر در کشورهای آسیایی مشاهده شده است. (رزاق-مرندی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰) مطالعه «استقلال دانشگاه در اروپا»، که توسط «انجمن دانشگاه اروپایی»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۹ انجام شد، نشان می‌دهد که در عمل، مقامات دولتی هنوز هم بیش از حد، نقش مرکزی در تنظیم سیستم‌های آموزش عالی بازی می‌کنند. دانشگاه‌ها اغلب با عدم استقلال در برخی از حوزه‌های فعالیت بسیار مهم خود مانند مدیریت مالی، ادامه حیات می‌دهند (استرمن؛ استینل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱: ۸۶). در حالی که دانشگاه‌ها مایلند از استقلال بیشتری بهره ببرند اما در سراسر جهان هیچ دانشگاه کاملاً مستقلی وجود ندارد و اغلب دولت‌ها در امور دانشگاه‌های خود دخالت می‌کنند. در بیشتر جوامع، همواره

---

1. University Autonomy in Europe I.  
2. EUA (European University Association).  
3. Estermann & Steinel.

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۱۸۷

موانع گوناگونی در تحقق استقلال دانشگاه وجود داشته است (رزاق‌مردی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

در قرن بیستم و یکم با افزایش نقش دانشگاه‌ها، برای تحقق رسالت‌ها و کارکردهایی که جامعه از این نهاد انتظار دارد می‌بایست از حداکثر توان و ظرفیت دانشگاه استفاده نمود. دانشگاه‌ها برای استفاده حداکثری از توان و ظرفیت خود، نیازمند داشتن استقلال در بخش‌های مختلف مأموریتی و کارکردی هستند. از طرفی عوامل بیرونی که مهم‌ترین آن‌ها، دولت‌ها هستند دانشگاه‌ها را در تأمین استقلال موردنظر با موانع مختلفی مواجه می‌نمایند. با این توصیف مسئله اصلی این پژوهش که دغدغه محققان را شکل داده، این است که بتواند ضمن تشریح ابعاد مختلف استقلال دانشگاه، نگاهی بر موانع دانشگاه‌ها برای رسیدن به استقلال با تأکید بر نقش دولت داشته باشد.

### ۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت انجام تحقیق در این تحقیق به اهمیت وجود استقلال دانشگاه در آموزش عالی بر می‌گردد. به عبارتی دیگر قصد داریم در این قسمت به این سوال پاسخ دهیم که چرا دانشگاه‌ها به استقلال نیاز دارند؟

یکی از دیرینه‌ترین سنت‌های آموزش عالی، استقلال آن بوده است. جامعه اندیشمندان اگر چه از طریق منابع هدایی و یارانه‌های عمومی حمایت می‌شدند، اما اداره امور آن‌ها برعهده خودشان بوده است. آموزش عالی بدون استقلال عاری از جنبه‌های ناب و کامل آن محسوب می‌شود. دلایل بسیار قوی برای این سنت دیرینه وجود دارد. از آن‌جا که آموزش عالی نیازمند تخصص برآمده از پیچیدگی است، تنها اندیشمندان در موقعیتی هستند که توانایی درک این پیچیدگی‌ها را دارند. متخصصان برای حل مسائل مربوط به زمینه تخصصی خویش بایستی به حال خود رها شوند (آذرگشب، ۱۳۸۶: ۴۲).

اهمیت موضوع استقلال دانشگاه به حدی است که وینچ یادآور می‌شود در فلسفه آموزش دو مسئله مهم وجود دارد: گسترش استقلال به منزله یک هدف آموزشی و کاربرد قدرت تفکر انتقادی. (وینچ، ۲۰۰۶: ۲) سیاستگذاران به نظریه اصلاحات استقلال به‌عنوان یک راننده مهم در نوسازی (مدرنیزاسیون) دانشگاه، تمایل دارند و مؤسسات آموزش عالی بیش از حد، بهبود بیشتر استقلال دانشگاه را به‌عنوان یک اولویت در نظر گرفته‌اند. به گزارش روند انجمن دانشگاه‌های اروپا در سال ۲۰۱۰، ۴۳ درصد از پاسخ دهندگان دانشگاهی، اصلاحات استقلال را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های نهادی در دهه گذشته لحاظ نموده‌اند (سُرسوک؛ اسمیت، ۲۰۱۰: ۱۸). با این توضیحات می‌توان عنوان داشت که اهمیت وجود استقلال دانشگاه تا حد زیادی مورد تأیید بوده و در نتیجه، رسالت دانشگاه‌ها، بدون نهاده‌سازی و استقرار نظام استقلال دانشگاه، تا حدود زیادی محقق نخواهد شد. اما در عمل، تحقق آن با چالش‌های متفاوتی به‌خصوص از سوی دخالت‌های دولتی، همراه بوده و دانشگاه‌ها با مشکلات متفاوتی در تأمین ابعاد مختلف استقلال مورد نیاز خود روبه‌رو هستند. در راستای ضرورت تحقیق، اوکوروسای<sup>۲</sup> (۲۰۱۲: ۲۵۶) به دلایل مشروحه زیر، استقلال دانشگاه‌ها را برای عملکرد صحیح آن‌ها ضروری می‌داند:

- حق سنتی است که به‌خوبی در سال‌های گذشته متمر ثمر بوده است؛
- در صورتی که دانشگاه به‌طور موثر عمل کند، لازمه پیچیدگی و غیرقابل پیش‌بینی بودن یادگیری و تحقیق، درجه بالایی از عدم دخالت و کنترل خارجی است؛

1. Sursock & Smidt.  
2. Okorosaye.

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۱۸۹

- دانشگاه‌ها مسئول حفظ و انتقال فرهنگ، ایجاد دانش جدید از طریق مطالعه و تحقیقات، توسعه ظرفیت‌ها برای قضاوت انتقادی و مستقل، پرورش درک زیبایی به بهترین شیوه در محیط آزاد و بدون سلطه خارجی می‌باشند؛
- پیچیدگی فعالیت‌های دانشگاهی به میزان معتناهی استقلال نیاز دارد.

### ۴. سوالات تحقیق

با توجه به مسئله ترسیمی پژوهش، در تحقیق حاضر پاسخگویی به سوالات زیر مدنظر قرار گرفته است؛

۱. استقلال دانشگاه دارای چه مفهوم و ابعادی بوده و ارتباط بین ابعاد مختلف آن چگونه است؟
۲. نقش دولت‌ها در ایجاد موانع تحقق استقلال دانشگاه‌ها چگونه است؟

### ۵. روش پژوهش

روش تحقیق، ساختارگرایی است که به‌عنوان یک سنت پژوهش کیفی، روشی است که بر ویژگی‌های نظام‌مند پدیده‌ها و ارتباط میان عناصر یک نظام، تاکید دارد. بر اساس روش ساختارگرا، معنای هر یک از عناصر را تنها با ملاحظه ارتباط آن با دیگر عناصر نظام می‌توان معین نمود. این روش دارای دو سطح مفهومی و مصداقی است. (گال و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۰۸) با عنایت به این‌که می‌توان در حالت مشابه، استقلال دانشگاه را به‌عنوان یک نظام یا چارچوبی در نظر گرفت که هر یک از اجزای آن به یکدیگر وابسته بوده و ارتباطات متقابل آن‌ها، تضمین کننده تحقق استقلال دانشگاه به‌عنوان یک پدیده یا مفهوم کلی خواهد بود سعی شده است از این روش تحقیق با رویکرد کیفی بهره گرفته شود. با عنایت به دو سطح مفهومی و مصداقی، در این پژوهش، محققان گام‌های زیر را طی نموده‌اند:

۱. در سطح مفهومی؛ بررسی و بازخوانی مفاهیم نظری و ابعاد استقلال دانشگاه در آموزش عالی؛
۲. در سطح مصداقی؛ بررسی و بازخوانی نقش دولت‌ها در استقلال دانشگاه؛
۳. تحلیل کیفی مفاهیم اصلی استقلال دانشگاه و موانع اساسی تحقق آن از طریق کنار هم قراردادن نتایج حاصل از بررسی‌های اسنادی صورت گرفته و در نهایت نیل به استنباط و شناخت موانع موجود با تاکید بر نقش دولت‌ها.

## ۶. ابزار گردآوری اطلاعات

سه ابزار اساسی که در تحقیقات کیفی استفاده می‌شوند عبارتند از: مشاهده، مصاحبه و تحلیل اسنادی<sup>۱</sup> (دلاور، ۱۳۹۳: ۲۳۵). این پژوهش از تحلیل اسنادی به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات بهره گرفته و تلاش شده است از تجربه دانشگاه‌ها و کشورهای مختلف در زمینه استقلال دانشگاه در نظام آموزش عالی و چالش‌های متعاقب آن استفاده شود.

## ۷. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

این تحقیق تلاش نموده است مطابق با سایر تحقیقات کیفی، با ترکیب اطلاعات حاصل از متون و پژوهش‌های مختلف، بتواند به یک توصیف صحیح و مطلوب از استقلال دانشگاه و ابعاد آن دست یافته و در نهایت موانع اساسی ناشی از دخالت‌های دولتی را، استنباط نموده و برشمارد.

## ۸. جامعه آماری و حجم نمونه

شرکت کنندگان در تحقیقات کیفی، افرادی هستند که مورد مشاهده، مصاحبه و

---

1. Documentel analysis.



... قرار خواهند گرفت. به عبارتی آن‌ها واحد تجزیه و تحلیل یا اعضای مورد پژوهش هستند. نمونه در تحقیقات کیفی، تقریباً نمونه در دسترس است. (دلور، ۱۳۹۳: ۲۳۲) در این پژوهش کلیه متون و تحقیقات در حوزه استقلال دانشگاه و ابعاد آن به‌عنوان جامعه آماری لحاظ شده و تلاش گردیده است متون داخلی و تحقیقات برجسته خارجی (در دسترس) به‌عنوان حجم نمونه مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. ضمناً در پژوهش حاضر یکی از انواع روش‌های نمونه‌گیری هدفمند در رویکرد کیفی به‌عنوان نمونه‌گیری هدفمند «نظریه مدار یا سازه عملیاتی»<sup>۱</sup> بهره گرفته شده است. این روش نمونه‌گیری زمانی به‌کار برده می‌شود که هدف تحقیق، کسب آگاهی در زمینه تجلیات واقعی سازه‌های نظری بوده و پژوهشگر قصد دارد از طریق تحقیق در چگونگی بروز این سازه، فهم عمیق‌تری را از این سازه کسب نماید (گال و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۹۴).

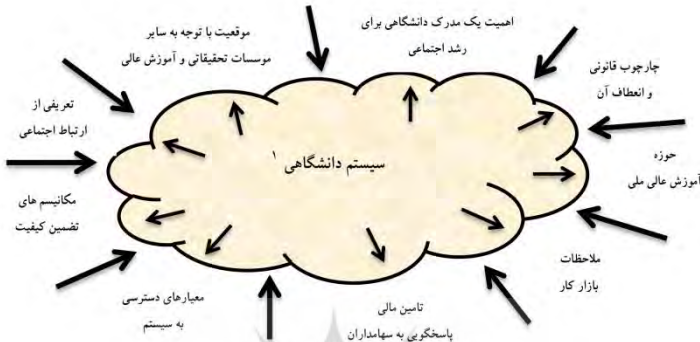
## ۹. مفاهیم نظری و ابعاد استقلال دانشگاه: سطح مفهومی پژوهش

### مفهوم استقلال دانشگاه

در تحلیل مفهوم استقلال معمولاً به آزادی عمل (توانایی شروع یا پایان دادن فعالیت‌ها به روش خود) توجه می‌شود (هاروی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۱۹). اولریک<sup>۳</sup> (۲۰۱۱: ۷) در مقاله خود تحت عنوان «استقلال دانشگاه در اروپا: تغییر کردن پارادایم‌ها در سیاست آموزش عالی» که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است عنوان می‌نماید که تعدادی نیروی خارجی همواره بر سیستم دانشگاه، نیرو وارد کرده و سعی می‌نمایند بر روی آن تأثیر وارد نموده یا حداقل با آن در تعامل باشند. در

- 
1. Theori- based or operational construct sampling.
  2. Harvey.
  3. Ulrike.

ادامه وی سعی کرده با ایجاد مرزی بین سیستم دانشگاه، این نیروها را به عنوان نیروهای خارجی موجود در جامعه معرفی و در قالب شکل زیر بین این نیروها و سیستم دانشگاهی، مرزبندی تعاملی ایجاد نماید.



شکل ۱. مرز کاری: مدل تعامل بین دانشگاه و جامعه<sup>۱</sup>

از زمان تشکیل دانشگاه‌ها در دوره قرون وسطی، آزادی علمی و استقلال سازمانی دانشگاه به عنوان سنگ بنای نظام دانشگاهی محسوب شده‌اند. دانشگاه بدون آزادی علمی و استقلال، دانشگاه به حساب نمی‌آید. استقلال دانشگاه‌ها با مبارزه علیه کلیساها و اقتدار مقامات دولتی به وجود آمد. این استقلال قویاً متأثر از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده و هست. عامل بسیار تأثیرگذار که استقلال دانشگاه را محدود می‌کند، تأمین سهم بزرگی از بودجه دانشگاه توسط دولت‌ها است و خیلی از حکومت‌ها برای پرداخت یارانه‌ها، شرایط خاصی را بهانه پاسخگویی تعیین می‌کنند که عملاً استقلال دانشگاه توسط دولت و نه توسط خودش تعریف می‌شود (ساوریر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۲۸۱). اولریک، استقلال دانشگاه را در وسیع‌ترین مفهوم خود عبارت از توانایی برای انجام امور

1. Boundary work: Modelling Interaction between University and Society.  
2. Sawyerr.

دانشگاهی توسط دانشگاه‌ها می‌داند (اولریک، ۲۰۱۱: ۱۳).

استقلال دانشگاه متضمن این مسئله است که دانشگاه‌ها در تعیین اهداف و اولویت‌های خود و اجرای آن‌ها آزاد گذاشته شوند تا بتوانند به بهترین وجه در خدمت جامعه قرار گیرند. اگر مؤسسات آموزش عالی بخواهند در پیگیری کارکردهای اساسی خود در کشف، توسعه، به‌کارگیری و انتقال دانش و یافته‌های علمی موفق باشند، بایستی دارای استقلال سازمانی باشند. انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها، در تعریف استقلال سازمانی دانشگاه می‌آورد: «دانشگاهی دارای استقلال سازمانی است که در مورد مقررات داخلی دانشگاه و اداره آن، مدیریت منابع مالی، کسب درآمد، استخدام کارکنان و هیئت علمی، تعیین شرایط برای دوره‌های آموزشی، اهداف آموزش و پژوهش، از آزادی عمل برخوردار باشد» (آذرگشپ، ۱۳۸۶: ۳۹).

### تعریف دانشگاه مستقل

دانشگاه مستقل، به این معنی است که دانشگاه امور خود را بدون دخالت یا تأثیر دولت انجام دهد، که شامل این است که دانشگاه خود قادر باشد تا هدف‌ها و برنامه‌های خود را تنظیم و ابزارهای لازم برای رسیدن به هدف‌ها را با آزادی از قدرت اقتصادی و اقتدار سیاسی تعیین نماید (نوکالا، ۲۰۱۲: ۹). در دانشگاه‌های مستقل، دانشگاه مسئول طراحی و اجرای دوره‌ها می‌باشد. دانشگاه هیئت علمی را استخدام، متقاضیان را ارزیابی و اولویت‌های استخدامی را تعیین می‌نماید. برکنار کردن و اخراج نیز در اختیار دانشگاه می‌باشد. دانشگاه مستقل بودجه خود را تنظیم و در مورد نحوه مصرف آن تصمیم می‌گیرد. فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مستقل در کشورهای اروپایی با توجه به

سیستم‌های کنترل کیفیت آموزشی، بیشتر مورد تایید می‌باشند. یافته‌های بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که استقلال یک عامل کلیدی برای دانشگاه‌های جذاب، موثر و موفق می‌باشد (سرکان و همکاران، ۲۰۱۶: ۸۹).

دانشگاه مستقل دانشگاهی است که از دخالت مستمر دولت به جز در موارد خاص و آن هم شفاف به دور است، حق انتخاب ارکان خود را (اعم از مدیریت دانشگاه در رده‌های مختلف و اعضا هیئت امنای دانشگاه) دارد، از منابع عمومی و دولتی به شکل کمک برخوردار است، در جذب کمک‌های مردمی، هدایا، موقوفات و کسب درآمد از محل تحقیقات و آموزش بدون این که به کیفیت علمی آسیبی وارد شود آزاد است و اختیار چگونه هزینه کردن درآمدها و کمک‌های دولتی را دارد. دانشگاه مستقل دانشگاهی است که با صنعت به معنای اعم آن در ارتباط دائمی است، نیازهای جامعه را بررسی می‌کند و در پاسخ به این نیازها از روش‌های علمی بهره می‌گیرد و تأثیرگذاری تولیدات علمی و فناوری خود در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و در یک کلام، توسعه کشور را شاهد است. دانشگاه مستقل در تدوین برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی و آیین‌نامه‌های اجرایی، جذب اعضای هیئت علمی و نحوه پذیرش دانشجویان خود، دارای اختیار است و نقش نهاد آموزش عالی کشور در این امور، نقش پشتیبانی، حمایتی و نظارتی است. دانشگاه مستقل، مرکز نقادی، نظریه‌پردازی و آزاداندیشی و مستند کردن این فعالیت‌ها و ارائه آن به جامعه و دست‌اندرکاران ذی‌ربط می‌باشد؛ چنین دانشگاهی، در تعیین سرنوشت کشور اثرگذار خواهد بود و زمینه را برای توسعه بر مبنای دانش و دانایی فراهم خواهد کرد (زاهدی اصل، ۱۳۹۶: ۴۶۶).

### پیش‌نیازهای اساسی تحقق استقلال دانشگاه

آراسته (۱۳۸۳: ۳) جهت نهادینه کردن استقلال در دانشگاه‌ها، تمهیدات، مقدمات و پیش‌شرط‌های زیر را ارائه می‌کند:

- ارتقای توان برنامه‌ریزی و مدیریتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی؛
- بهبود نظام مالی و اداری دانشگاه‌ها در جذب و استفاده بهینه از منابع و امکانات؛
- اجتناب از سیاست‌های تبعیض‌آمیز و بی‌طرفی کامل در مورد جناح‌های سیاسی؛

- ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش؛
- افزایش قدرت اعضای هیئت علمی در موضوعات تخصصی؛
- صیانت از اصالت و جایگاه علمی دانشگاه‌ها؛
- نهادینه کردن مدیریت مشارکتی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی؛
- سازگاری با محیط پویا و در حال تغییر؛
- افزایش پاسخگویی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی.

کوتباور<sup>۱</sup> (۲۰۰۸: ۶) تحقق استقلال دانشگاه را به‌وجود «رهبری<sup>۲</sup>»، «مسئولیت-پذیری<sup>۳</sup>»، «بحث و گسترش اهداف علمی داخلی<sup>۴</sup>»، «برنامه‌ریزی استراتژیک<sup>۵</sup>» و «پاسخگویی<sup>۶</sup>» وابسته دانسته است. وارجس و مارتین<sup>۷</sup> (۲۰۱۳: ۴۴) چهار

- 
1. Kothbauer.
  2. Leadership.
  3. Responsibility.
  4. Internal discussion and elaboration of academic goals.
  5. Strategic planning.
  6. Accountability.
  7. Varghese & Martin.

پیش شرط را برای تحقق استقلال در دانشگاه‌ها، در نظر گرفته‌اند؛ اول، استقلال نیاز به سیاست‌های ملی منسجم دارد. عدم قطعیت و تناقضات در وزارتخانه‌های مختلف و ناسازگاری و تناقض بین سیاست‌ها و مقررات در سطح ملی پیرامون استقلال دانشگاه، در نهایت شکست تحقق آن‌را به دنبال دارد.

دوم، استقلال دانشگاه باید به‌عنوان یک فرآیند کاملاً سازمان یافته در نظر گرفته شود. تحقق آن فرآیندی تدریجی بوده و به‌صورت مرحله به مرحله به مورد اجرا گذاشته می‌شود. پذیرش استقلال دانشگاه صرفاً به جامعه علمی کشور بر نمی‌گردد بلکه خیلی از نهادهای کشور، وزارتخانه‌های مختلف و انجمن‌های مرتبط باید ضرورت تحقق این مفهوم را درک نمایند.

سوم، افزایش استقلال را می‌توان با تعداد محدودی از مؤسسات آموزش عالی شروع و سپس بسط و گسترش داد. نتیجه این که حرکت به سمت استقلال دانشگاه در هر کشور نیاز به دو سطح اساسی از ظرفیت مورد نیاز دارد: ظرفیت‌های اداری و ظرفیت‌های دانشگاهی. ابتدا باید این ظرفیت‌ها را ایجاد و سپس به سمت استقلال دانشگاه حرکت نمود.

در نهایت، استقلال دانشگاه به‌عنوان یک هدف در آموزش عالی نیست و به‌خودی خود نمی‌تواند انتظارات از آن‌را برآورده کند بلکه وسیله‌ای است که می‌تواند دولت‌ها را در رسیدن به انتظارات از آموزش عالی کمک نماید. ضمناً سطح استقلال واگذار شده در هر کشوری به دانشگاه‌ها باید با بافت و فرهنگ ملی آن کشور تناسب داشته باشد؛ لذا هیچ مدل یکسانی برای همه کشورها جهت واگذاری میزان اختیارات به مؤسسات آموزش عالی وجود ندارد.

### ابعاد استقلال دانشگاه

در زندگی دانشگاهی، عوامل و ابعاد چندی را می‌توان مشخص کرد که می‌تواند

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۱۹۷

- موضوع استقلال باشد. اریک اشبای<sup>۱</sup> در تحلیلی عوامل زیر را بر شمرده است:
- رهایی مداخلات غیر علمی در مدیریت موسسه (خودگردانی مدیریتی)؛
  - آزادی عمل در تخصیص منابع مالی به نحوی که موسسه مناسب می‌داند (استقلال مالی)؛
  - آزادی عمل در استخدام و تعیین شرایط کار (خودگردانی مدیریتی)؛
  - آزادی عمل در گزینش دانشجویان (آزادی علمی)؛
  - آزادی در طراحی و ارائه مواد درسی (آزادی علمی)؛
  - آزادی در وضع معیارها و تعیین روش ارزیابی (تایت، ۱۹۹۵: ۱۱).
  - کوتباور (۲۰۰۸: ۶) مقصود از استقلال دانشگاه را در چهار نوع خاص از استقلال خلاصه می‌نماید:
  - استقلال سازمانی: به معنای وجود استقلال و ظرفیت تصمیم‌گیری برای ساختار داخلی و مأموریت‌های خاص؛
  - استقلال علمی: به عنوان مثال ظرفیت برای تعریف مأموریت‌های خاص؛
  - استقلال شخصی: یعنی ظرفیت برای مدیریت کردن کارکنان علمی و اداری و مسئولیت‌پذیری برای توسعه فردی؛
  - استقلال مالی: در دسترس بودن بودجه به صورت یک‌جا و ظرفیت در جمع‌آوری بودجه‌ها و دارایی‌ها همراه با قابلیت و ظرفیت هزینه کردن کامل بودجه‌ها بر اساس برنامه‌های استراتژیک و در نهایت اطمینان از ثبات مالی.
  - ژان دوگروف<sup>۲</sup> و همکارانش استقلال دانشگاه را در ابعاد زیر دنبال نموده‌اند:
  - استقلال بنیادی یا ذاتی<sup>۳</sup>؛ بر این اساس دانشگاه حق دارد برنامه‌های تحصیلی و اهداف خود را که از بنیادی‌ترین مأموریت‌های آن است،

- تدوین کند؛ این مفهوم بیشتر ناظر به آزادی علمی است.
- استقلال رویه‌ای (نظام‌نامه‌ای)<sup>۱</sup>؛ رویه‌ای است که بر مبنای آن دانشگاه مقاصد خود را برای به انجام رساندن اولویت‌هایی که از قبل برای او به‌مثابه بخشی از سیاست ملی تعیین شده، دنبال کند. استقلال مدیریتی از این مفهوم استخراج می‌شود.
  - استقلال سازمانی: بیشتر به بخش ساختاری دانشگاه باز می‌گردد و اعضای هیئت علمی، بر اساس مهارت‌ها و تخصص‌های خویش این حق را خواهند داشت که سازمان علمی خود را سامان بخشند (جاودانی، ۱۳۸۲: ۱۳).
- انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها به ابعاد مختلف استقلال: ۱) استقلال سازمانی، ۲) استقلال مدیریتی، ۳) استقلال بیرونی اشاره کرده و اهمیت اندازه‌گیری هر یک از این حیطه‌ها را به‌منظور تعیین میزان استقلال دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی گوشزد می‌کند. (آذرگشب، ۱۳۸۶: ۳۹) اما مهم‌ترین تحقیقی که ابعاد استقلال دانشگاه را به‌طور کامل و مشروح، مورد بررسی و نقد قرار داده است به مطالعات انجمن دانشگاه‌های اروپایی باز می‌گردد. این پژوهش سی‌وچهار کشور این اتحادیه را با بیش از سی شاخص در چهار حوزه کلیدی مورد مقایسه قرار داده است. این چهار حوزه عبارتند از: «استقلال سازمانی<sup>۲</sup>»، «استقلال علمی<sup>۳</sup>»، «استقلال مالی<sup>۴</sup>» و «استقلال استخدامی<sup>۵</sup>» (استرمن؛ استینل: ۲۰۱۱: ۸). در ادامه، شاخص‌ها و موانع هر یک از این چهار بُعد مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

- 
1. Procedural Autonomy.
  2. Organizational Autonomy.
  3. Academic autonomy.
  4. Financial autonomy.
  5. Staffing autonomy.



## استقلال سازمانی و شاخص‌های آن

اگر چه مؤسسات آموزش عالی، همواره در بستر یک چارچوب نظارتی خارجی عمل می‌کنند اما میزان و جزئیات این مقررات به‌طور قابل توجهی متفاوت است که به استقلال سازمانی دانشگاه‌ها مربوط می‌شود. در اکثر کشورها، دانشگاه‌ها، آزادی نسبی برای تصمیم‌گیری در ساختارهای اداری خود دارند. ولی با یک چارچوب نظارت قانونی، ظرفیت آن‌ها برای شکل دادن به ساختارهای علمی داخلی‌شان محدود می‌شود. علاوه بر این، گنجاندن اعضای بیرونی (منظور خارج از محیط دانشگاه) در فرآیندهای تصمیم‌گیری دانشگاهی، همواره مورد بحث و مناظره است. اعضای بیرونی در بدنه‌های حاکمیتی دانشگاه‌ها، اغلب با هدف پرورش دادن ارتباطات با صنعت و سایر بخش‌ها، انتخاب می‌شوند اما عملاً با اقدامات مختلف خود، استقلال سازمانی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (استرمن؛ استینل؛ ۲۰۱۱: ۸۸). استقلال سازمانی به معنای وجود استقلال و ظرفیت تصمیم‌گیری برای ساختار داخلی و مأموریت‌های خاص در دانشگاه است (کوتباور، ۲۰۰۸: ۶). در تعریفی دیگر آمده که استقلال سازمانی بیشتر به بخش ساختاری دانشگاه بر می‌گردد و بر این اساس، اعضای هیئت علمی، بر اساس مهارت‌ها و تخصص‌های خویش نسبت به دیگران این حق را خواهند داشت که سازمان علمی خود را که غالباً در برگیرنده دانشکده، گروه، مدارس، موسسه‌ها و حوزه‌های حرفه‌ای است سامان بخشند (جاودانی، ۱۳۸۲: ۱۳).

جدول ۱. شاخص‌های استقلال سازمانی<sup>۱</sup> (استرمن، نوکالا و استینل؛ ۲۰۱۱: ۷۷)

۱. ابعاد، شاخص‌ها و میزان تأثیرگذاری که در ابعاد استقلال دانشگاه، در این پژوهش مورد استناد قرار گرفته است از پژوهش University Autonomy in Europe II اقتباس شده است. این تحقیق در سال ۲۰۱۱ با نظارت

میزان تأثیرگذاری	شاخص‌های استقلال سازمانی
۱۴٪	روش انتخاب رئیس اجرایی <sup>۱</sup>
۱۴٪	معیارهای انتخاب رئیس اجرایی <sup>۲</sup>
۱۲٪	برکناری رئیس اجرایی <sup>۳</sup>
۹٪	شرایط محل کار رئیس اجرایی <sup>۴</sup>
۱۲٪	ورود اعضای خارجی در بدنه‌های حاکمیتی دانشگاه <sup>۵</sup>
۱۲٪	انتخاب اعضای خارجی در بدنه‌های حاکمیتی دانشگاه <sup>۶</sup>
۱۵٪	ظرفیت برای تصمیم‌گیری در ساختارهای علمی <sup>۷</sup>
۱۲٪	ظرفیت برای ایجاد اشخاص حقوقی <sup>۸</sup>

### استقلال مالی و شاخص‌های آن

در اکثر کشورها، دانشگاه‌ها بودجه‌های خود را در قالب کمک‌های بسته‌ای دریافت می‌نمایند. هنوز در برخی از سیستم‌ها، «بودجه‌های موردی - خطی»<sup>۹</sup> مورد استفاده بوده و در تعداد کمی از دانشگاه‌ها، حتی عواید حاصل از «خودگردانی»<sup>۱۰</sup> به‌شدت کنترل می‌شود. در حالی‌که قوانین حاصل از برخی محدودیت‌های خاص، به بسیاری از دانشگاه‌ها، مجوز قرض گرفتن پول داده‌اند

انجمن دانشگاه‌های اروپا و همکاری بیش از ۱۲۰ متخصص آموزش عالی از ۳۴ کشور اروپایی انجام شده که این موضوع از اعتبار بالای تحقیق حکایت دارد.

1. Selection procedure for the executive head.
2. Selection criteria for the executive head.
3. Dismissal of the executive head.
4. Term of office of the executive head.
5. Inclusion of external members in university governing bodies.
6. Selection of external members in university governing bodies.
7. Capacity to decide on academic structures.
8. Capacity to create legal entities.
9. Line-item budgets.
10. Self-generated.

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۰۱

اما غالباً همین مجوز باید از سوی مقامی خارجی مورد تأیید قرار گرفته و مقدار حداکثری آن مشخص باشد. حتی دانشگاه‌هایی که خودشان دارای امکانات بوده و متکی به منابع خودشان می‌باشند به صورت اتوماتیک، توانایی تصمیم‌گیری در سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات خود را نداشته و آن‌ها لزوماً، آزاد به فروش دارایی‌های خود نیستند. دامنه محدودیت‌های مالی دانشگاه همواره از وابستگی به تصویب توسط یک مقام خارجی تا ناتوانی کامل در فروش دارایی‌ها ادامه دارد (استرمن؛ استینل: ۲۰۱۱: ۸۹). استقلال مالی را در دسترس بودن بودجه به صورت یکجا، ظرفیت در جمع‌آوری بودجه‌ها و دارایی‌ها همراه با قابلیت و ظرفیت هزینه کردن کامل بودجه‌ها بر اساس برنامه‌های استراتژیک و در نهایت اطمینان از ثبات مالی تعریف می‌نمایند (کوتیاور، ۲۰۰۸: ۶).

جدول ۲. شاخص‌های استقلال مالی (استرمن، نوکالا و استینل: ۲۰۱۱: ۷۷)

میزان تأثیرگذاری	شاخص‌های استقلال مالی
٪۱۴	مدت بودجه عمومی <sup>۱</sup>
٪۱۳	نوع بودجه عمومی <sup>۲</sup>
٪۱۴	قابلیت حفظ بودجه‌های مازاد <sup>۳</sup>
٪۹	توانایی قرض گرفتن پول <sup>۴</sup>
٪۱۲	توانایی داشتن ساختمان <sup>۵</sup> (املاک و مستغلات)
٪۱۷	قابلیت افزایش شهریه‌ها برای دانشجویان داخلی <sup>۶</sup>
٪۲۱	قابلیت افزایش شهریه‌ها برای دانشجویان خارجی <sup>۷</sup>

1. Length of public funding.
2. Type of public funding.
3. Ability to keep surplus.
4. Ability to borrow money.
5. Ability to own buildings.
6. Ability to charge tuition fees for national students.
7. Ability to charge tuition fees for foreign students.

## استقلال علمی و شاخص‌های آن

برخی پژوهشگران از استقلال علمی به آزادی آموزشی یا آزادی علمی تعبیر می‌نمایند. آزادی آموزشی را اغلب، حق اعضای هیئت علمی یک نهاد آموزشی در برخورداری از آزادی مطالعه، پژوهش، بیان افکار، انتقال فکرها و بیان آنچه آن‌ها را حقیقت می‌دانند، تعریف می‌کنند. (واینر، ۱۳۸۵: ۶۳) «آزادی علمی»، یعنی اجتماع علمی (هیئت علمی آموزشی یا پژوهشی و دانشجویان)، در فعالیت و کنش‌های علمی خود مستقل باشند و هیچ‌گونه فشار و سلطه‌ای از جانب عقاید و سازمان‌های سیاسی، مسلکی و مذهبی بر آن‌ها تحمیل نشود. بدین ترتیب، معنای آزادی علمی این خواهد بود که هیئت علمی بتوانند آزادانه به تحقیق و تولید دانش بپردازند، هرچند که فرآیندها یا فرآورده‌های پژوهشی آنان خوشایند مدیران دانشگاهی مانند مدیر گروه، رئیس دانشکده و دانشگاه و ... یا دولت یا سازمان رسمی ایدئولوژیک، مسلکی و مذهبی و مانند آن نباشد. هم‌چنین هیئت‌های علمی بتوانند در انتقال و ترویج و اشاعه دانش خود آزادی داشته باشند، آزادانه تدریس کنند، در انتخاب روش‌ها و منابع بر مبنای استانداردهای مورد وفاق جامعه علمی آزاد باشند، در پژوهش، آموزش، خدمات علمی، کارشناسی، تخصصی و حرفه‌ای خود ملزم به جانبداری‌های خاصی نباشند، مقالات و کتب و نتایج مطالعات خود را آزادانه چاپ و منتشر کنند، یا در مجامع و جامعه آن‌را بیان و ارائه بکنند، در فناوری اطلاعات و ارتباطات مشارکت بورزند، آزادانه به نقد و بررسی آرا و نظریات بپردازند و دست به ابداع و نوآوری یا حتی انقلاب فکری و علمی بزنند. هم‌چنین معنای آزادی علمی این خواهد بود که دانشجویان در انتخاب محل و رشته مورد علاقه خود برای تحصیل، در طول مدت تحصیل، انتخاب واحدها، انتخاب مدرس، مشارکت نقادانه در مباحث درسی، ارزشیابی از مدرس، انتخاب موضوع مطالعات، مقالات و پایان‌نامه‌ها، انتخاب استاد راهنما، مشارکت و فعالیت

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۰۳

دانشجویی و سایر فعالیت‌های تحصیلی، علمی و صنفی بر مبنای استانداردهای مورد وفاق جامعه علمی از آزادی لازم و کافی برخوردار باشند. (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۳۹) در اکثر کشورهای اروپایی، دانشگاه‌ها اساساً برای توسعه شاخه‌های علمی خود، آزاد هستند. معرفی یا به‌کارگیری برنامه‌های جدید معمولاً نیاز به نوعی از تایید توسط وزارت مرتبط یا یکی از مقامات دولتی دارد و اغلب به مذاکرات بودجه گره می‌خورد که نشان دهنده وابستگی متقابل ابعاد مختلف استقلال به یکدیگر است (استرمن؛ استینل: ۲۰۱۱: ۹۱).

جدول ۳. شاخص‌های استقلال علمی (استرمن؛ نوکالا؛ استینل: ۲۰۱۱: ۷۷)

میزان تأثیرگذاری	شاخص‌های استقلال علمی
٪۱۴	ظرفیت تصمیم‌گیری در تعداد کلی دانشجویان <sup>۱</sup>
٪۱۴	ظرفیت انتخاب دانشجویان <sup>۲</sup>
٪۱۶	ظرفیت معرفی کردن و خاتمه دادن به برنامه‌ها <sup>۳</sup>
٪۱۳	ظرفیت انتخاب زبان آموزش <sup>۴</sup>
٪۱۵	ظرفیت انتخاب مکانیزم‌های تضمین کیفیت <sup>۵</sup>
٪۱۲	ظرفیت انتخاب ارائه دهندگان تضمین کیفیت <sup>۶</sup>
٪۱۶	ظرفیت طراحی محتوای برنامه‌های مدارج تحصیلی <sup>۷</sup>

### استقلال استخدامی و شاخص‌های آن

کوتباور (۲۰۰۸: ۶)، استقلال استخدامی را «ظرفیت دانشگاه برای مدیریت

1. Capacity to decide on overall student numbers.
2. Capacity to select students.
3. Capacity to introduce and terminate programmes.
4. Capacity to choose the language of instruction.
5. Capacity to select quality assurance mechanisms.
6. Capacity to select quality assurance providers.
7. Capacity to design content of degree programmes.

کردن کارکنان علمی و اداری و مسئولیت‌پذیری برای توسعه فردی» تعریف می‌نماید. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های قابل توجهی در استخدام کارکنان موردنیاز دانشگاه‌ها وجود دارد. از آزادی کامل دانشگاه‌ها در استخدام کارکنان تا روش‌های رسمی استخدام کارکنان دانشگاه‌ها توسط دولت و با تصویب مقامات خارجی (گاهی اوقات بالاترین مقامات کشور). برخی از کشورها آزادی بسیار کمی در خصوص مسائل استخدامی دارند، به‌عنوان مثال، آن‌ها قادر به تعیین تعداد کارکنان موردنیاز برای جذب نیستند از این‌رو فاقد کنترل هزینه‌های کلی حقوق و دستمزد بوده و حتی سطح حقوق و دستمزد افراد توسط مقامات ملی تعیین می‌شود. در مقابل در برخی کشورها، دانشگاه‌ها اختیارات بیشتری در برخورد با مسائل استخدامی داشته و در این راستا یا از کارکنان دولتی مجرب استفاده نموده یا مستقیماً خود دانشگاه به‌جای دولت، نسبت به استخدام کارکنان اقدام می‌نماید. با این‌حال، در این کشورها نیز تصمیم‌گیری در مورد حقوق فردی کارکنان هنوز هم تا حد زیادی توسط دولت‌ها کنترل شده هستند. در بیشتر کشورها، تمام یا اکثر کارکنان دانشگاه-ها، وضعیت کارمند دولت را دارند که تاکید بر نیاز ثابت به‌جای اشکال انعطاف‌پذیرتر از اشتغال جهت کادر دانشگاه را بیان می‌دارد (استرمن؛ استینل: ۲۰۱۱: ۹۰).

جدول ۴. شاخص‌های استقلال استخدامی (استرمن؛ نوکالا؛ استینل: ۲۰۱۱: ۷۷)

میزان تأثیرگذاری	شاخص‌های استقلال استخدامی
۱۴٪	ظرفیت تصمیم‌گیری در جذب نیروی انسانی (کارکنان ارشد علمی) <sup>۱</sup>
۱۳٪	ظرفیت تصمیم‌گیری در جذب نیروی انسانی (کارکنان ارشد اداری) <sup>۲</sup>

1. Capacity to decide on recruitment procedures (senior academic staff).
2. Capacity to decide on recruitment procedures (senior administrative staff).

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۰۵

٪۱۲	ظرفیت تصمیم‌گیری در حقوق (کارکنان ارشد علمی) <sup>۱</sup>
٪۱۲	ظرفیت تصمیم‌گیری در حقوق (کارکنان ارشد اداری) <sup>۲</sup>
٪۱۲	ظرفیت تصمیم‌گیری در اخراج (کارکنان ارشد علمی) <sup>۳</sup>
٪۱۲	ظرفیت تصمیم‌گیری در اخراج (کارکنان ارشد اداری) <sup>۴</sup>
٪۱۳	ظرفیت تصمیم‌گیری در ترفیعات (کارکنان ارشد علمی) <sup>۵</sup>
٪۱۲	ظرفیت تصمیم‌گیری در ترفیعات (کارکنان ارشد اداری) <sup>۶</sup>

### نقش دولت‌ها در ایجاد موانع استقلال دانشگاه: سطح مصداقی پژوهش

#### نقش دولت‌ها در ایجاد موانع استقلال سازمانی

اداره امور دانشگاه‌ها در بسیاری از کشورها، در وضعیت آشفته‌ای به سر می‌برد. در نظر بسیاری از دولت‌ها، وظیفه اصلی آنان، تلاش در جهت کنترل نظامی است که به شدت از کنترل گریزان است. وضعیت موجود پر از تناقض است: کنترل افراطی و برنامه‌ریزی تفریطی، تنوع و تمرکز بر همگنی، تعهد در قبال توسعه و کاهش هزینه (هیرش؛ ویر، ۱۳۸۱: ۲۰۷). دخالت دولت در دانشگاه همواره به طرفداری از عقاید خاص یک گروه و بر ضد گروهی دیگر بوده است. این امر هم در مورد نظام‌های دیکتاتوری مصداق دارد و هم تا حد کمتری در مورد حکومت‌های دموکراسی. این دخالت‌ها تحت حکومت رژیم‌های تندرو و دیکتاتوری‌ها حتی به خشونت آشکار نیز منجر شده است (یاسپرس، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

1. Capacity to decide on salaries (senior academic staff).
2. Capacity to decide on salaries (senior administrative staff).
3. Capacity to decide on dismissals (senior academic staff).
4. Capacity to decide on dismissals (senior administrative staff).
5. Capacity to decide on promotions (senior academic staff).
6. Capacity to decide on promotions (senior administrative staff).

در عصر حاضر، فضای پیرامونی دانشگاه‌ها به سمتی می‌رود که آنان را مجاب می‌سازد همواره به تعدادی از افراد و سیستم‌ها و در برابر بروز بعضی مسائل پاسخگو بوده و توضیحات قانع کننده‌ای داشته باشند (دیبیل، ۲۰۰۱: ۲۱).

امروزه عوامل بسیاری آزادی عمل و انعطاف‌پذیری رهبران دانشگاهی را محدود کرده است. دانشگاه برای ادامه حیات خود، باید نسبت به محیط بیرونی، پاسخگو باشد. تعداد و شمول این نیروهای محیطی تقریباً در بسیاری از دانشگاه‌ها در طول دهه‌های گذشته، به صورت تصاعدی افزایش یافته است. قدرت اصلی بیرونی که موجب محدود شدن استقلال سازمانی می‌شود عبارت است از استفاده از اختیارات روزافزون از سوی دولت‌ها. وقتی که محل تأثیرگذاری از دانشگاه به دولت منتقل می‌شود روسای دانشگاه‌های بخش دولتی، خود را هر چه بیشتر مانند مدیران میانی می‌یابند تا رهبران دانشگاهی. (بیرن بائوم، ۱۳۸۲: ۱۳) دانشگاه موسسه‌ای است که تحت مجوز رسمی استقلال دارد اما در عین حال باید به دولتی که به آن مجوز می‌دهد و از آن حمایت می‌کند پاسخگو باشد و بنابراین از لحاظ قانونی وضعیتی دوگانه، پُر از ابهام و حتی پُر تنش دارد. دولت به‌سادگی می‌تواند بر دانشگاه سلطه داشته و در واقع آن را نابود کند زیرا دانشگاه بدون دولت ناتوان است (یاسپرس، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

رویکرد مداخله جویانه دولت در نظارت بر کنترل کیفیت، پاسخگویی و ... به‌منزله عدم اطمینان به خودگردانی دانشگاه‌هاست. در صورتی که دولت‌ها باید تلاش نماید تا سازوکارهایی فراهم شود که در آن هم استقلال اولیه دانشگاه‌ها حفظ شود و هم آن‌ها را در استفاده از وجوه عمومی پاسخگوتر سازد. امروزه یک دستور کار در اغلب جوامع پیشرفته وجود دارد مبنی بر این که نظام



## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۰۷

آموزش عالی مهم‌تر از آن است که تنها به‌دست اساتید سپرده شود. با این دیدگاه باید ارتباط میان دانشگاه و دولت مورد بازنگری قرار گیرد، اما حسرت دوران طلایی و افسانه‌ای استقلال دانشگاه را باید از سر بیرون کرد. (هیرش؛ وبر، ۱۳۸۱: ۲۰۰) مهم‌ترین نقش‌های دولت‌ها در ایجاد موانع استقلال سازمانی دانشگاه‌ها عبارتند از:

- روابط سیاسی کشورها بر روابط علمی بین‌المللی دانشگاه‌ها و پذیرش مقالات در مجلات خارجی تأثیر مستقیمی داشته و دانشگاه‌ها باید در ارتباطات بین‌المللی خود از رفتارها و رویه‌های سیاسی دولت‌ها، تبعیت نمایند.
- مصوبات و تصمیمات آموزش عالی و دانشگاه‌ها برای سایر مراجع و دستگاه‌های اجرایی، الزام اجرایی نداشته و دولت و جامعه از تصمیمات دانشگاهی، پشتیبانی لازم را ندارند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵۹).
- در نظام‌های دانشگاهی متمرکز که دولت همه امور آموزش عالی از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرا را تعیین و منابع مالی، روندهای اداری، آیین‌نامه‌ها و مقررات از سوی دولت تهیه می‌گردد، مدیران دانشگاه‌ها جز اجرای مصوبات، نقش دیگری نداشته و اصولاً طرح مفاهیمی چون برنامه‌ریزی، تفکر، طراحی، خلاقیت، تصمیم‌سازی و پاسخ‌گویی نیز جایگاه روشنی نخواهند داشت.
- در حالی که طراحی سازه‌ها و «ساختارهای علمی و اداری داخلی» دانشگاه‌ها، تا حد زیادی تحت کنترل خودشان قرار دارد اما «ساختارهای حکومتی و رهبری» دانشگاه‌ها اغلب و به‌شدت، از سوی مسئولان و سیاستمداران

ملی شکل می‌گیرد.

- بخش اعظمی از استقلال سازمانی به فرآیند انتخاب رهبر و اعضای اصلی تصمیم‌گیری در درون دانشگاه‌ها بر می‌گردد که این مهم معمولاً در بسیاری از دانشگاه‌ها با مشکلات اساسی از جمله حضور سیاسیون و دولتی‌ها، مواجه است.
- «ذی‌نفعان خارجی<sup>۱</sup>» به‌ویژه دولتی به‌طور فزاینده‌ای در ساختارهای حکومتی دانشگاه‌ها حضور داشته و درگیر هستند. البته این حضور می‌تواند دامنه‌ای از فعالیت و مشورت محدود در شوراهای داخلی دانشگاه تا حضور کامل و موثر مداخله‌آمیز در تصمیم‌گیری‌های دانشگاهی را شامل شود (اسپورن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹: ۱۲۱).

### نقش دولت‌ها در ایجاد موانع استقلال مالی

بیشتر دولت‌ها آموزش عالی را یک هدف می‌دانند تا یک وسیله. رشد این تفکر تقریباً در سراسر جهان با کاهش منابع واقعی سرانه دانشجویی همراه است. نتیجه نهایی این موضوع، بحران مالی در بخش آموزش عالی است. چنین پیامدی نه تنها دانشگاه‌ها را وادار می‌سازد تا منابع مالی دیگری را به‌ویژه در اقتصاد خصوصی به‌دست آورند. در خیلی از کشورها آموزش عالی به‌سمت توسعه کمی همراه با کاهش وابستگی به بودجه عمومی حرکت می‌کند. در نتیجه در صورتی که دانشگاه‌ها باید بر واکنش در برابر نیازهای بازار تاکید داشته باشند دولت هم‌چنان به‌عنوان یک عامل مزاحم و مداخله‌گر عمل می‌کند. نتیجه یکسان بررسی سیاست‌های پیرامون آموزش عالی در اکثر کشورها نشان

---

1. External stakeholders.  
2. Sporn.

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۰۹

می‌دهد که تنها سیاست بلندمدت در آموزش عالی، افزایش محدودیت‌های مربوط به استفاده از منابع دولتی بوده است. (هیرش؛ وبر، ۱۳۸۱: ۲۰۱)

دانشگاه‌ها مجبور هستند بودجه‌های خود را کاهش و در مقابل، میزان بهره حاصله از بودجه‌های عمومی را بالا ببرند. آنان باید همواره در برابر جامعه و هم‌چنین تأمین‌کنندگان مالی خود پاسخگو بوده و تلاش نمایند از همه پتانسیل در اختیار خود، حداکثر بهره‌وری را داشته باشند (دیبل، ۲۰۰۱: ۲۱). مسائل اصلی در این بخش به «سطوح پایین بودجه عمومی<sup>۱</sup>»، عدم وجود فضایی برای دانشگاه جهت انعقاد قراردادهای ملی بلندمدت با شرکای تجاری، دشوار بودن برنامه‌ریزی‌های بودجه‌ای، وجود بودجه‌های موردی - خطی، عدم وجود «ظرفیت استقلال مالی<sup>۲</sup>» در برخی از دانشگاه‌ها مانند عدم مالکیت ساختمان‌های دانشگاه یا محدودیت در سیاست‌های اشتغال دانشگاه مربوط می‌شود. عدم توانایی برای تعیین سطوح شهریه‌ها و تصمیمات تجاری، یک نقطه «ضعف رقابتی<sup>۳</sup>» در «بازار آموزش عالی بین‌المللی<sup>۴</sup>» از دیدگاه آموزش عالی است (استرمن؛ نوکالا، ۲۰۰۹، ۳۹).

امروزه در اکثر کشورها، دولت‌ها شدیداً تحت فشار وظایف مربوط به توزیع بودجه (توجه و رسیدگی به سالمندان، بهداشت، فقر، کمک‌های خارجی و...) و هم‌چنین مسائل امنیتی و حفظ زیرساخت‌های عمومی قرار دارند. در نتیجه کاهش سهم بودجه‌ای که به آموزش عالی تعلق می‌گیرد قطعی است و معمولاً هنگام کاهش یا کمبود بودجه سالانه کشورها، آموزش عالی از نخستین جایگاه‌هایی است که بودجه آن کاهش می‌یابد. به‌عنوان مثال تغییرات بعد از تصویب اقدامات ریاضت

- 
1. Low levels of public funding.
  2. Independent financial capacity.
  3. Competitive disadvantage.
  4. International higher education market.

اقتصادی، موجب ایجاد تغییرات در سطوح مالی و نیروی انسانی نهادهای یک جامعه می‌شود و بر همان اساس، استقلال دانشگاه‌ها در سطوح مالی و نیروی انسانی به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته و از تغییرات جامعه، تبعیت می‌نماید (رومو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۲۷۵). سیاستگذاران دولتی تمایل دارند تا از طریق قوانین و مقررات بودجه، در رفتارهای دانشگاهی سهم گردند و در برخی موارد آن‌ها را تحت نظارت خود درآورند. به‌عنوان مثال می‌توان از سطوح استخدامی، شهریه‌ها و حق‌الزحمه‌ها، میزان ثبت‌نام، حقوق و مزایای اعضای هیئت علمی و کارکنان، استانداردهای فضا و ... که تحت نظارت دولت‌اند نام برد. (هیرش؛ ویر، ۱۳۸۱: ۱۷) استقلال مالی دانشگاه‌ها همواره توسط موانع و چالش‌های مختلفی از سوی دولت‌ها، مورد تهدید واقع می‌شود. از جمله:

- عدم ارائه اختیارات مالی مناسب به دانشگاه‌ها از سوی دولت‌ها، انگیزه آنان را برای کسب درآمدهای اختصاصی پایین آورده و مانع تنوع بخشی به منابع مالی و ارائه خدمات متنوع به بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی می‌گردد.
- اغلب دانشگاه‌ها به‌سمت «بودجه عمومی<sup>۲</sup>» به‌عنوان بلوکی از کمک‌های مالی حرکت می‌نمایند و این کمک‌های دولتی نیز معمولاً در قبال ارائه داده‌ها و اطلاعات لازم بر اساس «معیارهای عملکرد<sup>۳</sup>» صورت می‌پذیرد که این اقدام از استقلال دانشگاه می‌کاهد.
- بسیاری از دانشگاه‌ها در تعیین میزان شهریه‌های پرداختی دانشجویان، فاقد استقلال بوده و معمولاً این هزینه‌ها به‌صورت کلی توسط دولت‌ها تعیین می‌شود که بعضاً تناسبی با سطح فعالیت‌ها و درجات علمی دانشگاه‌ها ندارد

1. Romo.

2. Public funding.

3. Performance criteria.

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۱۱

ضمن این که دانشگاه‌ها در قبال هزینه‌های جمع‌آوری شده از دانشجویان خود، باید پاسخگو به عوامل نظارتی خارجی باشند.

- دانشگاه‌ها هنوز هم با محدودیت زمانی و مالی در فعالیت‌ها و تراکنش‌های خود در بازارهای مالی مواجه هستند. اغلب دانشگاه‌ها یا درگیر استقراض‌های شایع، متداول و مستمر هستند یا این که منابع درآمدی آنان به‌جای این که وابسته به منابع خود دانشگاه باشد به اشخاص حقوقی درون دانشگاه وابسته بوده و با جابه‌جایی آنان، دانشگاه‌ها مجدداً با چالش‌های مالی مواجه می‌گردند.

- نوع و میزان «مالکیت بر زمین و ساختمان‌ها» در دانشگاه‌های مختلف، کاملاً متنوع و تا حد زیادی به «فرهنگ‌ها و سنت‌های ملی»<sup>۲</sup> آن کشور وابسته است. تقریباً در اکثر کشورها، حتی «مالکیت رسمی»<sup>۳</sup> نیز لزوماً فرصتی را برای «استفاده بدون محدودیت از دارایی‌های دانشگاه»<sup>۴</sup> فراهم نمی‌آورد.

- نظارت مستمر سیستم‌های ممیزی و حسابرسی دولتی بر عملکرد مالی دانشگاه‌ها بدون در نظر گرفتن کارویژه‌های خاص آموزشی و پژوهشی آنان که معمولاً تبعاتی مانند عدم امکان هزینه موثر و به‌موقع اعتبارات و درآمدها به‌ویژه اعتبارات پژوهشی را به‌دنبال دارد (انجمن دانشگاه اروپایی، ۲۰۰۸: ۳۱).

### نقش دولت‌ها در ایجاد موانع استقلال علمی

اگر سلايق سياسی مستقيماً در حیات دانشگاه دخالت کنند، آن‌گاه نظارت

- 
1. Ownership of land and buildings.
  2. National cultures and traditions.
  3. Formal ownership.
  4. Use their assets without limitations.

دولتی تهدیدی برای دانشگاه خواهد بود. این با ایده (ذات) دانشگاه منافات دارد که دولت از دانشگاه انتظاری بیش از تربیت متخصص داشته باشد. بنابراین، این فاجعه‌ای برای جامعه است که دولت از دانشگاه بخواهد که مبلغ‌ساز باشد. دولتی که در امر تدریس و آموزش دخالت می‌کند قطعاً به‌ایده دانشگاه تعدی خواهد کرد. آزادی آکادمیک به معنای آزادی دانشجو و استاد در انجام تحقیقاتشان به روش خویش و تدریس نتایج این تحقیقات است. دولت باید موضوعات تحقیقاتی را به‌طور کامل به افراد واگذارد. این تعریف همان آزادی است که دولت قرار است ضمانت کند و از مداخله هر نهادی در کار دانشگاه جلوگیری کند و این شامل مداخله خودش نیز می‌شود. آزادی آکادمیک با آزادی دین شباهت دارد؛ طوری که هر دو آن‌ها باید توسط دولت و در مقابل دخالت خود دولت حفاظت شوند. (یاسپرس، ۱۳۹۴: ۱۶۹)

منظور از استقلال علمی در دانشگاه‌ها، نوع خاص رابطه میان دولت و دانشگاه است که در آن دولت ضمن حمایت از فعالیت‌های دانشگاهی، از دخالت در آن نیز اجتناب می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که دانشگاه در کشورهای جهان سوم یا منسوب به جنوب، موسسه‌ای سیاسی است که هم دولت و هم نیروهای سیاسی در آن فعالانه درگیر هستند. از نظر دولت، دانشگاه به‌مثابه پایگاهی برای کنترل اجتماعی و ایجاد نظم و انتقال ایدئولوژی طبقه حاکم محسوب شده و در عین حال دانشگاه مقرر دگراندیشان و مدافعان دموکراسی و آزادی نیز هست. این امر باعث شده است که دانشگاه دارای استقلال لازم برای پیگیری اهداف علمی و آموزشی خود نباشد. (فاضلی، ۱۳۹۳: ۴۱) در بررسی نقش دولت‌ها در ایجاد موانع مربوط به استقلال علمی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تغییر مداوم برنامه‌ها و طرح‌های پژوهشی پس از تغییر و تحولات سیاسی (تغییرات دولت‌ها)، استقلال و طراوت علمی را از دانشگاه‌ها سلب می‌نماید. در اغلب موارد، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های علمی تحت تأثیر

تحولات سیاسی تغییر می‌کند.

- نگرش‌های سیاسی برخی از مدیران و مسئولین دانشگاهی می‌تواند بر روند فعالیت‌ها و بر فضای علمی و پژوهشی دانشگاه تأثیر گذاشته و حتی در برخی حالات منجر به کاهش بنیه علمی دانشگاه به علت کناره‌گیری بخشی از نیروهای علمی (در اثر اختلاف نظرهای سیاسی) شود.
- کافی نبودن فضای آزاد علمی در انتخاب موضوعات پژوهشی و انتشار نتایج برخی از طرح‌ها و فعالیت‌های تحقیقاتی، هم‌چنین انتخاب روش‌های تدریس، شیوه‌های پذیرش دانشجو، اداره کلاس و مباحث درسی نیز به شدت استقلال علمی دانشگاه‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵۷).
- در برخی از کشورها، استقلال علمی با تعیین معیارها و کنترل‌ها در روند انتخاب دانشجویان، محدود شده و حتی دولت‌ها، قوانینی برای پذیرش دانشجویان و تعداد آن‌ها در «رشته‌های خاص» تعیین می‌نمایند (رومو، ۲۰۰۷: ۲۷۵).

### نقش دولت‌ها در ایجاد موانع استقلال استخدامی

استقلال دانشگاه به منزله نهادی صنفی باید تضمین شود. بنابراین استاد دانشگاه در وهله نخست کارمند دولت نیست، بلکه عضو یک سازمان مستقل است. کارمند دولت صرفاً تصمیمات سیاسی مقامات بالاتر را اجرا می‌کند. او وظیفه دارد تبعیت کند هم‌چون قاضی‌ای که تابع قوانینی است که صرفاً باید اجرائشان کند. در مقابل کار اصلی استاد این است که خود انتخاب کند و تصمیم بگیرد. او مسئول است، اما صرفاً نسبت به فعالیت‌های تحقیقاتی خودش. او باید تماماً وقف مسائلی شود که

---

#### 1. Specific disciplines.

خود طرح می‌کند، بدون این که تداخلی با هیچ امر بیرونی داشته باشد. او تصمیماتش را بر مبنای معیارهایی می‌گیرد که اساس درونی کارش هستند و مستقل از حسابگری‌های بیرونی، واقعیت‌های لحظه‌ای و قضاوت‌های قطعی‌اند. استاد دانشگاه باید، بیش از هر چیز، خود را محقق و معلم بداند، نه عضو یک سازمان یا کارمند دولت. (یاسپرس، ۱۳۹۴: ۱۶۳) در کشورهایی که ادامه تحصیل در حوزه آموزش عالی در برخی از دانشگاه‌ها، رایگان است این دانشگاه‌ها با چالش برنامه‌ریزی برای جذب دانشجویان مواجه بوده و معمولاً این اقدام (اختصاص دانشجویان به دانشگاه‌ها) توسط دولت صورت می‌گیرد (استرمن؛ نوکالا، ۲۰۰۹، ۳۹). نتایج مطالعات، نشان می‌دهد که معمولاً دولت‌ها، دانشگاه‌ها را با موانع زیر در استقلال استخدامی‌شان مواجه می‌سازند:

- مدیریت متمرکز دولتی و کمی اختیارات در گزینش و جذب اعضای هیأت علمی باعث بی‌تفاوتی بعضی از دانشگاه‌ها نسبت به کیفیت علمی استادان گردیده (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵۹) و همچنین آموزش عالی را با چالش حضور استادان بعضاً با کیفیت نامناسب مواجه می‌نماید. ضمن این که هزینه‌های مالی مازادی را بر دانشگاه‌ها تحمیل می‌نماید.
- بعضاً تمرکز اختیارات جذب اعضای هیأت علمی در وزارت مربوطه و وجود مسیر طولانی گزینش استادان که باعث جذب آنان در مراکز غیردانشگاهی و سلب اختیارات از دانشگاه‌ها می‌شود، ابتکار عمل را از دانشگاه‌ها گرفته و مانعی برای رقابت علمی سالم بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خواهد بود. ضمن این که در تعداد زیادی از کشورها، نظام گزینش و جذب اعضای هیأت علمی از رویکردها و جناح-بندی‌های سیاسی اثرپذیری دارد.
- تمرکز اختیارات استخدام کارکنان در سازمان‌های اداری و استخدامی کشورها باعث شده که دانشگاه‌ها برای جذب کارکنان مورد نیاز خود،



## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۱۵

مسیرهای طولانی و مشقت باری را طی نمایند. این مشکل امکان برنامه-ریزی مناسب نیروی انسانی از سوی دانشگاه‌ها را سلب و فضای کافی برای جذب نیروی انسانی کارآمد را از بین می‌برد. ضمن این‌که با عدم جایگزینی نیروهای انسانی، تضعیف تدریجی سرمایه انسانی در دانشگاه‌ها را شاهد خواهیم بود.

- در حالی‌که دانشگاه‌ها در بسیاری از موارد قادر به تعیین هزینه‌های کلی خود می‌باشند اما به‌ندرت قادر به «تنظیم آزادانه سطح حقوق و دستمزد کارکنان»<sup>۱</sup> هستند. «دخالت مقامات دولتی»<sup>۲</sup> در «مسائل استخدامی»<sup>۳</sup> از محدوده تعیین (مستقیم یا غیرمستقیم) حقوق کارکنان شروع و حتی تا صدور دستورات یا کارفرما بودن برای تعدادی از کارکنان دانشگاه ادامه می‌یابد.
- امروزه روند «کاهش کارمندان دولتی»<sup>۴</sup> از سوی کشورها پیگیری شده و چون در بسیاری از کشورها، کارکنان دانشگاه‌ها جزو کارمندان دولت محسوب می‌شوند ادامه این وضعیت می‌تواند به استقلال استخدامی، ضرورت‌ها و نیازهای کادر علمی و اداری دانشگاه‌ها صدمات جدی وارد نماید (استرمن؛ نوکالا، ۲۰۰۹، ۳۱).

### استقلال دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران

#### الف) بررسی سیر تاریخی

در ایران معاصر، نهاد دانشگاه در نتیجه روند مدرنیزاسیون بی‌بنیاد ایرانی و

- 
1. Set staff salary levels freely.
  2. Involvement of the public authorities.
  3. Staffing issues.
  4. Reduce civil servant status.

الگو برداری‌های صوری از جوامع غربی به شکل تحمیلی پدید آمد (چیت‌سازان، ۱۳۸۸: ۱۸). استقلال دانشگاه در ایران همواره با کشمکش و مجادله و سوءفهم مواجهه بوده است (آراسته، ۱۳۸۳: ۴). با تاسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ و پیش‌بینی قانون تاسیس محکم و آکادمیک برای آن، استقلال هر چند نسبی در این مرکز علمی مورد توجه قرار گرفت. به‌رغم آن جدال بر سر نحوه و حدود این استقلال همیشه بین دانشگاهیان و دولتمردان جریان داشته است. این کشمکش‌ها در حقیقت جدال بین متن‌ها (قوانین، سیاست‌ها و مصوبات) و ساختارها (ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اداری و ...) است. جدال بین اقتضائات محیط علمی با رویه‌های بوروکراتیک و تضاد بین آزادی علمی و تصلب ساختار اداری است (سیاسی، ۱۳۸۷: ۱۵۷). باباجانی (۱۳۸۳: ۳۷) سیر تحول استقلال دانشگاه‌ها در ایران را در چهار مرحله دسته‌بندی کرده است:

مرحله اول - استقلال مالی و استخدامی تا قبل از سال ۱۳۵۸: دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی تا قبل از سال ۱۳۵۸ به‌صورت مستقل اداره و تابع آئین‌نامه‌های مصوب هیئت‌های امنای خود بودند. آموزش عالی ایران تا اوایل سال ۱۳۵۸ از تسهیلات نسبتاً ویژه‌ای برخوردار بوده و استقلال مالی آن‌ها تا حدودی ملحوظ گردیده بود.

مرحله دوم - سیر نزولی استقلال مالی: از ابتدای سال ۱۳۵۸، تسهیلات اعطایی به دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی در اجرای مقررات مشروحه زیر لغو و مصرف اعتبارات جاری، عمرانی و اختصاصی آن‌ها تابع مقررات عمومی شد.

مرحله سوم - سیر احیای استقلال دانشگاه‌ها: از سال ۱۳۵۸ به‌بعد، تلاش‌هایی در جهت کسب استقلال مجدد آموزش عالی به‌عمل آمد. تصویب قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۲ مورخ ۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی را می‌توان قدم اول در جهت احیای استقلال مؤسسات مذکور تلقی کرد.

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۱۷

مرحله چهارم - دوره نهایی: تلاش‌ها برای احیای استقلال دانشگاه‌ها، در سال ۱۳۸۳ به نتیجه رسید و با تصویب قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم و همچنین بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، استقلال کامل اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی به دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی و پژوهش اعطا شد.

### (ب) بررسی مداخلات دولتی

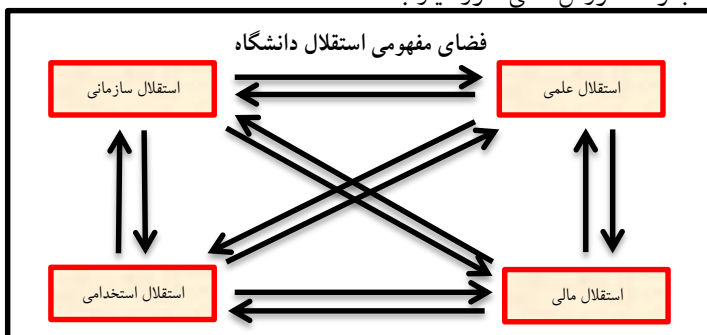
هر چند در بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم و بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، موضوع استقلال دانشگاه‌ها مدنظر قرار گرفته (ذاکرسالحي، ۱۳۸۸: ۸۱) لیکن با تاکید تعدادی از تحقیقات بر ناکارآمدی نظام کنونی آموزش عالی ایران، به‌روشنی نیاز به تغییر در میزان اختیارات میزان آزادی علمی و استقلال دانشگاه‌های کشور مشهود است (همایون‌فرد، ۱۳۹۶: ۴۲۱). از آن‌جا که مؤسسات آموزش عالی کشورمان، از متن تحولات درونی سنت‌های تعلیمی و تحقیق این جامعه و در بستری از سیر تکاملی و توسعه این سنت‌ها به‌وجود نیامدند فاقد ریشه‌های هنجاری قوی و نظام حرفه‌ای درون‌زا بودند. همچنین این مؤسسات به‌علت فقدان یا ضعف نهادهای رقیب غیردولتی در درون دولت به‌وجود آمدند. این عوامل سبب شد که نگاه دولت به دانشگاه‌ها، همواره نگاه ایزاری بوده باشد. استقلال دانشگاه‌ها در ایران به سه دوره تقسیم‌بندی می‌شود: ۱) استقلال دانشگاه در مواجهه با خودکامگی شبه مدرن دولتی در دوران پهلوی اول؛ ۲) استقلال دانشگاه در مواجهه با دیوان‌سالاری و اقتدارگرایی نفتی در دوران پهلوی دوم؛ ۳) استقلال دانشگاه در مواجهه با سیطره ایدئولوژی و سیاست در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۲۷). رزاق مرندي (۱۳۹۳: ۲۳) در تحقیق خود اشاره می‌کند که ۲۷ موضع از ۳۵ موضع تصمیم‌گیری مربوط به استقلال دانشگاه‌ها در ایران، در اختیار دولت بوده و سپس نتیجه‌گیری می‌نماید: «هم -

اکنون مدل کنترل دولتی بر دانشگاه‌های دولتی ایران حاکم است». وی عمده ابزارهای هماهنگی، کنترل و نظارت در آموزش عالی ایران را در اختیار دولت می‌داند که بیشتر به حوزه‌های استقلال سازمانی، مالی و استخدامی بر می‌گردد. براساس شاخص‌های ارائه شده در این پژوهش، از منظر استقلال سازمانی، دانشگاه‌های ایران بیشتر تحت نظارت و مدیریت وزارت علوم تحقیقات و فناوری بوده و ساختار و تشکیلات دانشگاه‌ها بر اساس پیشنهاد دانشگاه و بعد از تصویب هیئت امنا باید به تایید وزارت علوم نیز برسد. رئیس دانشگاه معمولاً از بین استادان دانشگاه و از داخل دانشگاه و با تایید وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب می‌شود و شایستگی‌های موردنیاز برای رئیس دانشگاه در قانون ذکر شده است. اعضا بیرونی معمولاً در بدنه هیئت امنای دانشگاه نقش ایفا می‌کنند. پیرامون استقلال مالی، دانشگاه‌های دولتی، دارای آئین‌نامه‌های ویژه‌ای بوده که از سوی وزارت علوم ابلاغ شده است. بودجه و اعتبارات معمولاً به صورت بلوکی ارائه و شامل بلوک‌های آموزش، پژوهش و فناوری می‌باشد و هم‌چنین امکان جابه‌جایی منابع مالی تا سقف ۳۰ درصد در هر سر فصل برای دانشگاه‌ها مجاز است. هم‌چنین دانشگاه‌ها منابع مازاد مالی را اعم از اختصاصی و عمومی می‌توانند ذخیره نمایند. از منظر استقلال استخدامی، دانشگاه‌ها دارای آئین‌نامه‌های مختلفی از جمله آئین‌نامه استخدامی اعضا هیئت علمی و اعضا اداری بوده که معمولاً توسط وزارت علوم ابلاغ می‌گردد و دانشگاه‌ها بعد از تصویب در هیئت امنا، زمینه اجرای آن‌را فراهم می‌نمایند. در خصوص به‌کارگیری اعضا هیئت علمی معمولاً دانشگاه‌ها قادرند شرایط ویژه‌ای برای انتخاب و به‌کارگیری در نظر گیرند. ولی انتخاب نهایی کاندیداها باید به تایید وزارت علوم برسد. از منظر ارتقا نیز براساس آئین‌نامه ارتقا اعضای هیئت علمی که از سوی وزارت علوم ابلاغ شده، دانشگاه‌ها شرایط را بررسی و بعد از تایید هیئت ممیزه و هیئت امنا باید ارتقا اعضای هیات علمی به تایید وزارت

علوم نیز برسد. در خصوص استقلال علمی، دانشگاه‌ها از استقلال نسبی برخوردارند و مانند بیشتر دانشگاه‌های دنیا، تعداد کل دانشجویان از طریق مذاکره با منابع بیرونی (شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم) تعیین می‌شود. دانشجویان کارشناسی و ارشد معمولاً از طریق آزمون سراسری انتخاب می‌شوند، محتوای برنامه‌های آموزشی در هر سه مقطع با پیشنهاد دانشگاه‌ها قابل بازنگری است (شرفی، ۱۳۹۶: ۳۴۸).

### تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

در پاسخ به سوال اول تحقیق باید اشاره نمود که استقلال دانشگاه و مدیریت خودگردان دانشگاه راه خود دانشگاهیان تعریف کرده‌اند؛ بدین صورت که جمهور دانشگاهیان، خودشان دانشگاه را به عهده دارند و نظام دانشگاهی را کنترل می‌کنند و تصمیمات مربوط به آن‌را در درون دانشگاه می‌گیرند. این تصمیمات ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد؛ مانند برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، نظام پذیرش (استاد و دانشجو)، امتحان‌ها و ارزشیابی، نظام تصدیق و گواهی دانش‌آموختگی، سنجش کیفیت و اعتباربخشی و سرانجام نحوه تخصیص منابع (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۱۱). دانشگاه‌ها برای انجام رسالت و مأموریت‌های محوله نیاز دارند دارای استقلال باشند که با توجه به تعریف اشاره شده و هم‌چنین تقسیم‌بندی‌های ذکر شده در سطح مفهومی پژوهش، به نظر می‌رسد در یک نگاه کلی، چهار حوزه استقلال برای تحقق کارکردها و انتظارات از دانشگاه‌ها و مجموعه آموزش عالی، موردنیاز باشد.



شکل ۲. مدل ارتباط متقابل ابعاد استقلال دانشگاه

- در توضیح تکمیلی شکل فوق باید ملاحظات زیر را در نظر داشت؛
- تمامی ابعاد مختلف استقلال دانشگاه با یکدیگر در ارتباط بوده و این ارتباط متقابل و دوسویه است.
  - تحقق استقلال دانشگاه به تأمین استقلال در تمامی عرصه‌های سازمانی، علمی، مالی و استخدامی وابسته بوده و این ابعاد با ایجاد هم‌افزایی، استقلال لازم را برای دانشگاه‌ها فراهم می‌نمایند.
  - هیچ‌یک از ابعاد استقلال دانشگاه بر یکدیگر رجحان و برتری نداشته و همه برای محیط آموزش عالی ضروری هستند.
  - به دلیل تعاملی بودن ابعاد مختلف استقلال دانشگاه، چالش در یک حوزه از استقلال دانشگاه، می‌تواند سایر ابعاد را با مشکلات اساسی مواجه سازد. به‌عنوان مثال چالش در استقلال مالی به‌طور کاملاً مشخص و مبرهنی می‌تواند استقلال در سایر زمینه‌های استخدامی، سازمانی و علمی را با مشکلات متفاوتی روبه‌رو نماید.
- در پاسخ به سوال دوم تحقیق، می‌توان نقش دولت‌ها در ایجاد موانع تحقق استقلال دانشگاه در ابعاد مختلف را به‌شرح جدول زیر دسته‌بندی نمود:

جدول ۵. موانع اساسی استقلال دانشگاه

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۲۱

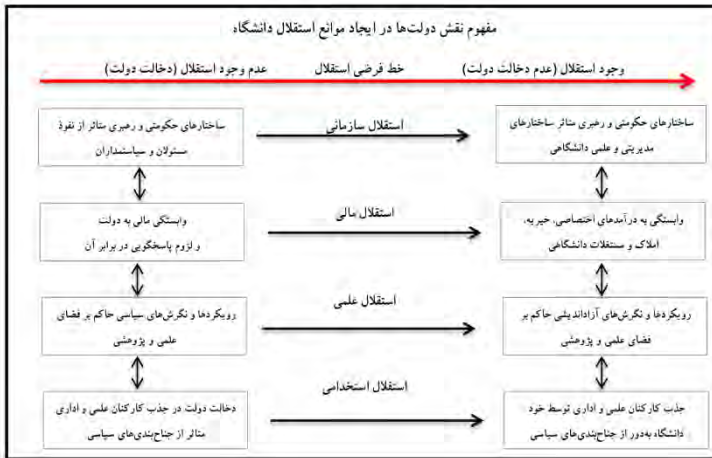
<p>استقلال سازمانی</p>	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. شکل‌گیری ساختارهای حکومتی و رهبری اغلب دانشگاه‌ها از سوی سیاستمداران یا متأثر از افکار و اراده‌های سیاسی آنان.</li> <li>۲. برداشت نادرست دوسویه برخی از مسئولین دانشگاهی و دولتمردان کشوری از مفهوم استقلال دانشگاه.</li> <li>۳. حضور و مداخله ذی‌نفعان خارجی به‌ویژه دولتی در ساختارهای حکومتی دانشگاه‌ها.</li> <li>۴. وجود ابهامات در ایجاد تغییرات قانونی حوزه آموزش عالی از سوی دولت‌ها.</li> <li>۵. وجود یک سیستم نانوشته «الزام به پاسخگویی» دانشگاه‌ها به دولت‌ها.</li> </ol>
<p>استقلال مالی</p>	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. سطوح پایین بودجه عمومی (دولتی).</li> <li>۲. عدم وجود فضایی برای دانشگاه جهت انعقاد قراردادهای بلندمدت با شرکای تجاری.</li> <li>۳. عدم آزادی عمل در شهریه‌ها و تصمیمات تجاری به‌عنوان یک ضعف رقابتی در بازار آموزش عالی بین‌المللی.</li> <li>۴. ارائه داده‌ها و اطلاعات لازم به خارج از مجموعه دانشگاهی و آموزش عالی در قبال دریافت کمک‌های دولتی.</li> <li>۵. استقراض‌های مالی دانشگاه‌ها و وابستگی آنان به منابع مالی فردی (اشخاص حقیقی/حقوقی درون دانشگاه).</li> <li>۶. نبود انگیزه در دانشگاه‌ها برای کسب درآمدهای اختصاصی به‌علت حساسی دولتی و نداشتن اختیارات مالی مناسب.</li> </ol>
<p>استقلال علمی</p>	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. مواجهه دانشگاه‌ها با چالش برنامه‌ریزی برای جذب دانشجو (اختصاص دانشجویان به دانشگاه‌ها توسط دولت).</li> <li>۲. تأثیرگذاری نگرش‌های سیاسی برخی از مدیران و مسئولین دانشگاهی بر فضای علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها.</li> <li>۳. تغییر مداوم برنامه‌های آموزشی و طرح‌های پژوهشی پس از تحولات سیاسی.</li> <li>۴. تأثیرپذیری استقلال و طراوت علمی دانشگاه‌ها از کافی نبودن فضای آزاد علمی.</li> </ol>



استقلال استخدامی	<p>۱. تأثیرپذیری دانشگاه‌ها از سیاست‌های عمومی دولت‌ها مانند کاهش تعداد کارمندان دولتی.</p> <p>۲. وابستگی شدید استقلال استخدامی دانشگاه‌ها به تغییرات جامعه مانند ریاضت اقتصادی.</p> <p>۳. دخالت دولت در گزینش و جذب اعضای هیأت علمی و تأثیرپذیری آن از جناح بندی‌های سیاسی؛</p> <p>۴. تمرکز اختیار استخدام کارکنان اداری دانشگاه‌ها توسط دولت؛</p> <p>۵. دخالت مقامات دولتی در تنظیم سطح حقوق و دستمزد کارکنان دانشگاه‌ها؛</p>
---------------------	---

با نگاهی به جدول فوق، می‌توان بیان نمود که استقلال دانشگاه در هر چهار بُعد، به شرح شکل زیر، از دخالت‌های دولتی متاثر هستند. در حقیقت، نبود استقلال در هر بُعد، ناشی از دخالت‌های دولت در استقلال دانشگاه و نادیده گرفتن حق خودگردانی دانشگاهیان در آن بخش بوده و هر چه دانشگاه‌ها، آزادی عمل بیشتری برای اقدامات سازمانی، مالی، علمی و استخدامی خود از سوی دولت دریافت نمایند در حقیقت به سمت تأمین استقلال بیشتر حرکت خواهند نمود. البته باید عنوان داشت که برخورداری از استقلال در دانشگاه بر روی یک خط فرضی (طیف) قرار دارد به عبارتی دیگر، هیچ دانشگاهی نیست که کاملاً فاقد استقلال بوده و البته دانشگاهی نیز به‌عنوان یک دانشگاه تماماً مستقل، یافت نخواهد شد.





شکل ۳. خط سیر ابعاد استقلال دانشگاه در محیط آموزش عالی

### نتیجه‌گیری

قوانین و شرایطی که دانشگاه‌ها تحت آن عمل می‌نمایند بسیار متنوع است. این تفاوت‌ها، نشان دهنده رویکردهای چندگانه برای ایجاد یک تعادل بین استقلال و پاسخگویی به خواسته‌های جامعه از آموزش عالی است. در واقع، رابطه بین دولت و مؤسسات آموزش عالی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد ولی باید تاکید نماییم که «یک الگوی واحد برای همه» یا مدل «ایده‌آل»<sup>۱</sup> وجود ندارد و برداشت از استقلال و وابستگی بسیار زیادی به «پس‌زمینه‌های خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی»<sup>۲</sup> یک کشور دارد. به‌عنوان مثال، در حالی که در برخی از کشورها، حضور اعضای خارجی در نهادها و انجمن‌های دانشگاهی به‌عنوان یک اقدام مهم برای پاسخگویی آموزش عالی دیده می‌شود در برخی دیگر از

1. One-size-fits-all.  
 2. Ideal.  
 3. Specific historical, social and cultural background.

کشورها این موضوع به‌عنوان دخالت بی‌مورد در امور داخلی دانشگاه در نظر گرفته شده و آن‌را محملی برای دخالت و اعمال نفوذ افراد و مقامات صاحب منصب خارجی در امور دانشگاهی تلقی می‌نمایند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هم‌چنان یک شکاف تکراری بین «استقلال رسمی»<sup>۱</sup> - استقلال بر روی کاغذ<sup>۲</sup> - و توانایی واقعی یک دانشگاه برای اقدام به‌صورت مستقل، باقی مانده است. افزایش قابل توجه ضرورت پاسخگویی از طرف دانشگاه‌ها، بارها استقلال آن‌ها را تحدید و بیشتر دولت‌ها از این ابزار برای اعمال فشار به دانشگاه‌ها استفاده می‌نمایند (استرمن؛ استینل، ۲۰۱۱، ۸۷).

از طرفی استقلال در آموزش عالی، به‌صورت مطلق وجود ندارد و شاید هیچ‌گاه نیز وجود نداشته است. استقلال مطلق نیازمند عدم وابستگی کامل مالی است که چنین درجه‌ای از استقلال نهایتاً دست نیافتنی است. ضمن این‌که در نظر داشتن روابط متقابل قوی بین ابعاد مختلف استقلال، مهم است. اگر دانشگاه‌ها در اقدامات آزادی مالی خود محدود شده باشند، امکان دارد در ابعاد دیگری از استقلال، مانند سازمانی، استخدامی و علمی، به‌شدت محدود شده باشند؛ لذا با توجه به تأثیرپذیری متقابل ابعاد مختلف استقلال از یکدیگر، اصلاحات استقلال دانشگاه در کشورها باید یک رویکرد جامع، با در نظر گرفتن تمامی ابعاد استقلال نهادی را شامل شود.

نتایج و یافته‌های این پژوهش را از دو زاویه می‌توان با نتایج سایر تحقیقات مقایسه نمود. در سطح تحقیقات داخلی، جاودانی و دیگران (۱۳۸۷)، مداخل گری دولت در نظام آموزش عالی ایران را از تهدیدات آن به‌شمار می‌آورند. در یافته‌های تحقیق رزاق‌مردنی و همکاران (۱۳۹۲)، بیشترین دخالت دولت در

1. Formal autonomy.  
2. Autonomy "on paper."

آموزش عالی ایران اختصاص به امور دانشجویان، امور استخدامی، اداری و مالی دارد. مؤثرترین عامل در حکمرانی دانشگاه‌های دولتی ایران از بین سه عامل قدرت حکومت، بازار و حکومت دانشگاهی، قدرت حکومت است (فراستخواه، ۲۰۱۰: ۲۴). یافته‌های دو تحقیق دیگر، ذاکر صالحی و ذاکر صالحی (۱۳۸۹) و آذرگش و دیگران (۱۳۸۶)، بر ناکافی بودن اختیارات دانشگاه‌ها و لزوم گسترش و تحکیم استقلال آن‌ها تأکید دارند. در بررسی تحقیقات خارجی، از نظر سینگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)، دولت کنترل آموزش عالی را با ایجاد طیف وسیعی از مکانیسم‌های پاسخگویی (مانند ارزیابی عملکرد و معرفی سیستمی برای ارزیابی محصولات پژوهشی) در اختیار دارد. امروزه دانشگاه‌های دولتی از «عدم استقلال»<sup>۲</sup> رنج می‌برند؛ زیرا اغلب مؤسسات، معمولاً توسط دولت ایجاد شده و تحت کنترل دولت نیز هستند (صوفین و وونگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴: ۱۱۰). امروزه در حکمرانی دانشگاه‌ها، دولت‌های بسیاری قصد دارند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم کنترل خود را بر دانشگاه‌های مدرن و فعالیت‌های اصلی آن، افزایش دهند (وولرت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴: ۳). «کریستنسن»<sup>۵</sup> (۲۰۱۱: ۵۱۵)، ادعا می‌کند که وضعیت اخیر حکمرانی دانشگاه‌ها، یک تناقض عجیب را به وجود می‌آورد: در حالی که استقلال دانشگاه‌ها در طیف وسیعی از کشورها به صورت «رسمی»<sup>۶</sup> افزایش یافته است اما در مقایسه با زمان‌های گذشته، استقلال «عملی»<sup>۷</sup> آن‌ها کاهش یافته است. تحقیقات برشمرده شده، همسو با نتایج این پژوهش، بر دخالت دولت‌ها در استقلال دانشگاه‌ها تأکید دارند.

1. Singh, Ramesh Chandra & Lohani, Siddharth & Pant, Pankaj.

2. Lack of autonomy.

3. Sufean, H & Wong, S.C.

4. Woelert.

5. Christensen.

6. Formally.

7. Actual.

استقلال دانشگاه به‌طور چشمگیری به چشم‌انداز کلی دانشگاه و میزان دخالت سیاست وابسته است. باید تلاش نمود تا همواره یک نوع تعادل بین استقلال دانشگاه و میزان دخالت از بیرون ایجاد گردد تا کمترین صدمه به آموزش عالی وارد شود. با توجه به موانع عنوان شده در متن پژوهش، در یک نگاه کلی می‌توان اشاره نمود که فرآیندهای سیاسی کشورها، حاکمیت تفکر سیاسی، سیستم متمرکز تصمیم‌گیری دولتی، محدودیت‌های مالی و استخدامی و گزینشی، تعصبات خاص جناحی یا حزبی از مهم‌ترین موانع در مسیر تحقق استقلال دانشگاه بوده که در بروز تمامی این موانع، دولت‌ها نقش اساسی را ایفا می‌نمایند.

### پیشنهادات

- مرتبط با موانع اشاره شده، مهم‌ترین الزامات و پیشنهادات راهبردی برای تحقق استقلال دانشگاه در آموزش عالی کشورمان به شرح زیر ارائه می‌شود:
- سیاست دولت در قبال آموزش عالی بایستی مبتنی بر ایفای نقش‌های حمایتی، تسهیل‌گرایانه، کمک‌کننده و با الزام دانشگاه‌ها به افزایش کیفیت باشد.
  - دولت بایستی وزن اساسی خود را بر حمایت، به‌جای نظارت قرار دهد. دخالت‌های غیر آکادمیک در امور دانشگاهی باعث کاهش کیفیت و دلسردی افراد درگیر در این حوزه و در کوتاه مدت خروج متخصصین از کشور و نیز گرایش به اخذ مدارک از دانشگاه‌های بی‌کیفیت خارجی خواهد شد.
  - راهبرد دولت بایستی در راستای تضمین آزاداندیشی آکادمیک در دانشگاه‌ها و جلوگیری از تحمیل برنامه‌هایی باشد که آزاداندیشی در نظام آموزشی را با محدودیت مواجه می‌سازد. عدم تضمین این موضوع می‌تواند

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۲۷

منجر به رکود گسترده در نظام آموزش عالی شده و مانع اساسی شکل‌گیری دانش بومی و ملی را فراهم آورد.

- دانشگاه‌ها در اکثر کشورها، نهادی وابسته به بازار هستند. اما در ایران دانشگاه‌ها غالباً نهادهای وابسته به دولت هستند. حال این وابستگی را هم باید کاهش داد و هم مناسبات با دولت را عقلانی کرد به گونه‌ای که نقش حمایتی دولت کم‌رنگ نشود.

- دولت باید بستری را فراهم نماید که دانشگاه‌ها بتوانند ضمن تبعیت از آرمان‌های اساسی نظام، امکان تعامل آزاد علمی با محیط‌های علمی و پژوهشی بین‌المللی را داشته و در واقع استقلال لازم در ارتباطات علمی و بین‌المللی به آنان واگذار شود.

- دولت باید بستری را فراهم نماید تا دانشگاه‌ها از حداقل استقلال در برخی امور اساسی مانند تنوع بخشی به منابع مالی، صرف درآمدهای اختصاصی بر اساس اختیارات داخلی، گزینش استاد و دانشجو و ... برخوردار شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

## الف) فارسی

آذرگشپ، اذن‌اله (۱۳۸۶)، بررسی کارکردهای هیئت‌های امنای نقش آن در استقلال دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، رساله دکتری تخصصی رشته مدیریت آموزش عالی، تهران؛ دانشگاه شهید بهشتی.

آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲)، «رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانش‌آموخته خارج از کشور در ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۷-۲۸.

آراسته، حمیدرضا و قورچیان، نادرقلی و جعفری، پریش (۱۳۸۳)، آزادی علمی، دایره‌المعارف آموزش عالی، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، جلد اول. باباجانی، جعفر، (۱۳۸۳)، «استقلال اعطایی به دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی؛ فرصت یا تهدید»، فصلنامه مطالعات حسابداری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

بیرن بائوم، رابرت (۱۳۸۲)، دانشگاه‌ها چگونه کار می‌کنند؟، ترجمه حمیدرضا آراسته، تهران: نشر موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، چاپ دوم. تایت، م (۱۹۹۵)، استقلال سازمانی، ترجمه قاسم جابری پور، گزیده مقالات دایره-المعارف آموزش عالی، جلد اول، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

جاودانی، حمید و دیگران (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت مدیریت نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه مدیران عالی: گذشته، حال و آینده»، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۴ شماره ۲ (۴۸)، ۱۴۰-۱۶۱.

جاودانی، حمید (۱۳۸۲)، استقلال علمی، منوگراف، تهران: مؤسس پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

چیت‌سازان، امیرحسین (۱۳۸۸)، آموزش عالی در گستره تاریخ و تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

## نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ۲۲۹

دلور، علی (۱۳۹۳)، *روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، تهران: نشر ویرایش، چاپ چهل و یکم.

ذاکرسالحي، غلامرضا (۱۳۹۲)، «مطالعه ظرفیت‌های قانونی استقلال دانشگاه در ایران»، تهران: *فصلنامه انجمن آموزش عالی*، سال پنجم، شماره چهارم.

ذاکر صالحی، غلامرضا و ذاکر صالحی، امین (تابستان ۱۳۸۹)، «بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی کشور در زمینه استقلال دانشگاهی در ایران»، تهران: *فصلنامه انجمن*

*آموزش عالی ایران*، سال سوم، شماره ۱.

ذاکرسالحي، غلامرضا (۱۳۸۸) «بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران (موضوع ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه)»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۳، سال پانزدهم، شماره سوم.

رزاق مردی، هادی (۱۳۹۳) «استقلال نهادی اثربخش دانشگاه‌های دولتی ایران: ضرورت پویایی در فضای جهانی شده»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۲۰ شماره ۴، ص ۱-۲۸.

رزاق مردی، هادی؛ رحیم‌زاده، خرم؛ خواجه‌اف، قربان (۱۳۹۲)، «استقلال نهادی دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری»، تهران: *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال پنجم، شماره چهارم، ۱۳۷-۱۶۳.

زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۶)، «مفهوم استقلال دانشگاه، مبانی حقوقی، موانع و محدودیت‌ها»، *مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۴۴۷-۴۷۱.

سیاسی، علی اکبر (۱۳۸۷)، *گزارش یک زندگی*، تهران: اختران.

شرفی، محمد (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی استقلال دانشگاه‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن»، *مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۳۲۷-۳۵۴.

فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۳)، *فرهنگ و دانشگاه*، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹)، *دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی*، تهران: نشر نی.

کریمینان، زهرا و دیگران (۱۳۹۰)، «مدیریت دانشگاهی و پاسخ‌گویی؛ ضرورت استقلال و آزادی علمی از دیدگاه اعضای هیأت علمی»، شیراز: مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۱۱.

گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (۱۳۹۳)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه دکتر احمدرضا نصر و همکاران، تهران: نشر سمت، چاپ نهم (دو جلدی).

واینر، فیلیپ پی (۱۳۸۵)، فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، (مقاله آزادی آموزشی)، ترجمه مهبد ایرانی طلب، جلد اول، تهران: نشر سعادت.

وینچ، کریستوفر (۲۰۰۶)، استقلال، آموزش، تفکر انتقادی، ترجمه افشار امیری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

همایون فرد، آنتیا (۱۳۹۶)، «تاملی بر آزادی علمی و استقلال دانشگاهی، زیربنای توسعه علمی کشور و ارائه راهکارهای مناسب»، مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها: چالش‌ها و راهبردها، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۴۱۹-۴۴۶.

همدانی گلشن، محمداسماعیل (۲ شهریور ۱۳۹۲)، «استقلال دانشگاه»، یادداشت‌های رئیس دانشگاه، پایگاه خبری دانشگاه صنعتی اصفهان

هیرش، ورنر زده؛ وبر، لوکای (۱۳۸۱)، چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم، به کوشش رضا یوسفیان املشی، تهران: نشر دانشگاه امام حسین (ع)، چاپ اول.

یاسپرس، کارل (۱۳۹۴)، ایده دانشگاه، ترجمه مهدی پارسا و مهرداد پارسا، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.

### ب) انگلیسی

Christensen, T. (2011), *University governance reforms: potential problems of more autonomy?* Higher Education, 62(4).

Dill, D (2001), the regulation of public research universities: changes in academic competition and implications for university autonomy and accountability. *Higher Education Policy* 14.



- Estermann, Thomas & Steinel, Monika, (2011), *University autonomy in Europe*, *European University Association*, Beiträge zur Hochschulforschung, 33, Jahrgang.
- Estermann, Thomas & Nokkala, Terhi & Steinel, Monika (2011), *University Autonomy in Europe II*, *European University Association*.
- Estermann, Thomas & Nokkala, Terhi (2009), *University Autonomy in Europe I*, *European University Association*.
- European University Association (2008), *Financially Sustainable Universities: Towards full costing in European universities*, EUA, Brussels.
- Farasatkah, M. (2010), *University & higher education: Global perspectives and Iranian problems*. *Tehran: Nashr-e-Ney* (in Persian).
- Harvey, L. (2004), *Analytic Quality Glossary*. *Quality Research International*. Retrieved on November 12, 2010 from <http://www.qualityreseachinternational.com/glossary>
- Kothbauer, Max (London 2008), *Autonomy and its Challenges in a World of Global education*, *International Association of University Governing Bodies*, University of Vienna, Austria.
- Nokkala, T. (2012), *Institutional Autonomy and the Attractiveness of the European Higher Education Area Facts or Tokenistic Discourse?*. C. A., S. P., V. L., & W. L. (Eds.), *European Higher Education at the Crossroads: Between the Bologna Process and National Reforms*. Volume 1: *Bologna Process Principles, Teaching and Learning, Quality Assurance, Mobility*. (pp. 59-82). Dordrecht: Springer.
- Okorosaye-Orubite, A. K., et al (2012) "University Autonomy, Academic Freedom and Academic Staff Union of Universities' (ASUU) Struggles in Nigeria: A Historical Perspective" *Asian Social Science*; Vol. 8, No. 12.
- Romo de la Rosa, A. (2007), "Institutional Autonomy and Academic Freedom: A Perspective from the American Continent", *Higher Education Policy*, Vol. 20.
- Sawyer, Akilagpa (1996), *Academic freedom & university autonomy: preliminary thoughts from Africa*, higher education policy.
- Serkan Ödemiş, İbrahim & Ferda Beytekin, Osman & Emin Uslu, Mehmet (2016), "AN EXPLORATORY STUDY ON UNIVERSITY AUTONOMY: A COMPARISON OF TURKEY AND SOME EUROPEAN UNION COUNTRIES", *JOURNAL OF EDUCATIONAL AND INSTRUCTIONAL STUDIES IN THE WORLD*, August, Volume 6, Issue 3, Article 10.

- Singh, Ramesh Chandra & Lohani, Siddharth & Pant, Pankaj (2015), Autonomy in Higher Education: Shifting Paradigm, EUROPEAN ACADEMIC RESEARCH, Vol. III, Issue 1/ April, www.euacademic.org, pp 545-555.
- Sporn, B. (2009), "Building Adaptive Universities: Emerging Organisational Forms Based on Experiences of European and US Universities", *Tertiary Education and Management*, Vol. Issue.
- Sufean, H & Wong, S.C (2014), "UNIVERSITY AUTONOMY: WHAT ACADEMICS THINK ABOUT IT", *International Refereed Research Journal*, Vol.-V, Issue-2, April, www.researchersworld.com.
- Sursock, Andrée & Smidt, Hanne (2010), *Trends 2010: A decade of change in European higher education*, European University Association.
- Ulrike, Felt Prof & in collaboration with Michaela Glanz (2011), *UNIVERSITY AUTONOMY IN EUROPE: CHANGING PARADIGMS IN HIGHER EDUCATION POLICY*, University of Vienna
- Varghese, N.V. & Martin, Michaela (2013), "Governance reforms and university autonomy in Asia", Published by: *International Institute for Educational Planning (IIEP)*, 7-9 rue Eugène Delacroix, 75116 Paris, France, info@iiep.unesco.org, www.iiep.unesco.org
- Woelert, Peter (2014), between "autonomy and control": A comparative perspective on university governance reforms, Paper presented in track 1 at the EAIR 36th Annual Forum in Essen, Germany, 27-30 August.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی